

## تدوین مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت نقد معماری؛ تحلیل محتوای کیفی آراء منتقدان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی دوره معاصر\*

نجوا مقدم\*\*، علیرضا رضوانی\*\*\*، هادی سروری\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۴

### چکیده

امروزه نقد یکی از ارکان اصلی رشد و شکوفایی علوم و هنرها در جوامع پیشرفته به حساب می‌آید. با این وجود در رشته معماری، نقد موضوعی مهجور و بدون سازوکار مشخص باقی مانده است. عدم تلاش کافی برای برطرف کردن ابهام‌های حوزه نقد معماری نشان دهنده این واقعیت است که "اهمیت و ضرورت" این مقوله به طور صریح و شفاف درک نشده است. بنابراین در این پژوهش، ابتدا با واکاوی معنی "اهمیت و ضرورت" و استخراج مؤلفه‌های آن، بررسی آراء ۱۰۰ تن از پژوهشگران منتقد و صاحب‌نظران داخلی و خارجی نقد معماری در طول سی سال اخیر، با اتخاذ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته و سپس به منظور بررسی و تحلیل آراء صاحب‌نظران منتخب از روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار و استقرایی استفاده شده که با بکارگیری از نرم افزار MAXQDA 2020، اطلاعات جمع‌آوری شده کدگذاری و طبقه‌بندی گردیده است، سپس نتایج تحلیل اطلاعات در قالب ۱۷۴ خرد مقوله، ۴۱ مقوله و ۱۰ ابر مقوله ارائه شده است. در نهایت نتایج این پژوهش بصورت ۱۰ مؤلفه‌های اصلی اهمیت و ضرورت نقد آثار معماری بر اساس آراء صاحب‌نظران منتخب از نظر "ارزشمندی موضوع نقد"، "دلایل نیاز به موضوع نقد معماری"، "فواید پرداختن به این مقوله" و "پیامدهای کم توجهی به این موضوع" تدوین و سپس بررسی و تحلیل شده است که تحلیل نتایج نشان دهنده بیشترین تاکید صاحب‌نظران بر مؤلفه "وجود بحران و مشکلات متعدد در حوزه نقد معماری" به عنوان دلیلی بر نیاز مبرم به پرداختن به این مقوله است. علاوه بر این آمار به دست آمده از بررسی پژوهشگران منتقد و غیر منتقد حوزه نقد معماری، نشان دهنده کمبود و فقدان شدید منتقد حرفه‌ای معماری در ایران، در مقایسه با غرب و بی‌توجهی بیشتر به اهمیت و ضرورت این مقوله مهم در داخل کشور است.

### واژگان کلیدی

نقد، نقد معماری، اهمیت و ضرورت، تحلیل محتوای کیفی.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تدوین مدل‌های مفهومی نقد و ارزیابی اثر معماری» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد است.

\*\* گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. najvamoghaddam@mshdiau.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) rezvani0112@mshdiau.ac.ir

\*\*\*\* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. sarvari\_hadi@mshdiau.ac.ir

## مقدمه

در زبان فارسی واژه نقد به معنای برگزیدن چیزی (معین، ۱۳۸۳: ۷۸۴) و یا جدا کردن سره از ناسره و تمیز دادن خوب از بد، در برابر واژه Criticism و Critique در لاتین نشسته است. [۱] در این تحقیق نقد به عنوان یک رفتار و فعالیت انسانی هدفدار (اتو، ۱۳۸۴: ۴۳) که «ارزیابی نکات مثبت یا منفی پدیده مورد نقد واقع شده» (Ducasse, 1955: 103) را برعهده دارد، در نظر گرفته شده است. اگرچه با توجه به این تعریف، نقد معماری دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد، اما همانطور که الکساندر لائز، [۲] منتقد و محقق معاصر معماری تاکید می‌کند: «معدود افرادی که به انتقاد می‌پردازند، به معنای واقعی "منتقد" محسوب می‌شوند.» (2012b: 13) دلیل این امر باز می‌گردد به تعریف ما از نقد معماری به عنوان نقدی مستدل و ضابطه‌مند. [۳] امروزه مشکل اصلی آن است که بسیاری از نقدهای موجود معیارهای علمی لازم را ندارند و تنها مانند اظهارنظرهای منعکس کننده سلیقه عموم به نظر می‌رسد. در حقیقت اکثر آنچه که امروز در رسانه‌های مختلف به عنوان نقد منتشر می‌شود، اظهار نظرهایی است بدون پشتوانه و بی‌اتکاء به معیارهای روشن و دقیق علمی. (Fessas-Emmanouil, 2015) در حالی که یک نقد علمی و ضابطه‌مند برای بیان نظر ارزیابانه، استدلال و ارائه دلایل لازم دارد. (مهردوست و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۶) «وظیفه نقد این است که استدلال کند، نه اظهار نظر.» (Grundberg, 2004: 247) یک منتقد باید علمی و منصفانه رفتار کرده (Davis & Preiser, 2012: 26) و مجموعه‌ای از اصول را تعیین نماید که قضاوت او را تعریف و به عنوان مبنایی برای نقد او عمل کند. (Goldberger, 2012) از سویی دیگر تعیین معیارهای جامع و اصولی نقد معماری اقدام بنیادینی است که طی فرآیندی طولانی و با مشارکت عموم صاحب نظران انجام می‌گیرد. (منصوری، ۱۳۷۹: ۷۵) نظر به کمبود مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در رابطه با این حوزه، در حال حاضر، «نقد معماری کمتر به عنوان یک فرآیند نظام‌مند و سازمان یافته مورد بررسی واقع شده است. شاید به این دلیل که مقوله نقد معمارانه، هنوز به مرحله شکوفایی کامل دست نیافته است.» (عباسی، ۱۳۹۱: ۷۰) امروز بحران فقدان وحدت و توافق نظر در نقد و معیارهایش و تمسک به نقدهای احساسی و اظهار نظرهای غیر مستدل در سطح جهان مطرح شده و تاکید مکرر صاحب نظران غرب، خاورمیانه و آسیا بر بحران نقد و نقادی در معماری نیز موید این موضوع است. [۴] در ایران نیز این بحران عمیق و جدی به نظر می‌رسد، زیرا متأسفانه اگرچه در کشورمان در دیگر زمینه‌ها با نقدهایی روبرو می‌شویم، اما نقد در معماری کمتر دیده می‌شود. (کیافر، ۱۳۹۸) قدمت پرداختن به مقوله نقد معماری در ایران نشان می‌دهد که در مقایسه با پیشینه آن در غرب، مقوله‌ای بسیار نوپا و نابالغ است و تحقیقات صورت گرفته نیز حاکی از این امر است که نقدهای موجود در کشور، تاثیر کمی در ادبیات معماری گذاشته‌اند. ر. ک به (رئبسی و دانشپور، ۱۳۹۰: ۳۹) تا جایی که محمدرضا حائری معتقد است تا به حال در ایران چیزی به عنوان جریان نقد نداشته‌ایم، بلکه این مقوله بیشتر به شکل گفتگوهایی غیر جدی در میان معماران وجود داشته است. ر. ک به (۱۳۸۷: ۶۵) با توجه به این امر، «معماری معاصر ایران نیز بر حسب وضعیت و شرایط فعلی، بیش از هر زمان دیگر به نقد علمی و منصفانه، نقدی که زیربنای اصلاح و بهبود فرآیند و روش‌های موجود در حل مسئله معماری باشد نیاز دارد.» (مهدوی نژاد، ۱۳۹۶: ۶۰) این موضوع می‌تواند در مقیاسی فراتر از معماری، در حوزه شهرسازی نیز بر حل معضلات شهرهای ایران که نه تنها به انتظارات امروزین از شهر پاسخ نمی‌دهند، بلکه روح شهر در آن‌ها جاری نیست، نیز تاثیر گذار باشد. (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۷)

در تبیین مسئله، این تحقیق بر اساس آنچه آمد، در مورد نقد معماری نیازمند آن هستیم که روش‌ها و معیارهای علمی انجام آن را تدوین و مهارت لازم در این زمینه را کسب کنیم، لیکن پیش از آن لازم است با مشارکت منتقدان و پژوهشگران حوزه نقد معماری مطالعات بنیادین و کافی در این خصوص صورت گیرد و این امر خود منوط به این امر است که «اهمیت و ضرورت انجام نقد معماری» ضابطه‌مند و مستدل را مورد تاکید قرار دهیم و آن را به صورت علمی بیان نماییم، زیرا «اگرچه درباره اهمیت نقد و گفتگو در معماری معاصر بسیار گفته شده، اما این سخن‌ها بیشتر در لباس تک‌گویی‌هایی شعارگونه و کلیشه‌ای بوده است.» (تغابنی، ۱۴۰۱: ۱۵) در حالی که برای انجام تحقیقات بیشتر و به کارگیری نتایج آن‌ها توسط معماران و منتقدان لازم است «اهمیت و ضرورت» نقد معماری به صورت علمی تدوین و تحلیل گردد. از این رو پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: مؤلفه‌ها «اهمیت و ضرورت نقد علمی و ضابطه‌مند معماری» در آراء صاحب نظران خارجی و داخلی معاصر کدام‌اند؟ و الویت‌های مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت نقد علمی و ضابطه‌مند در معماری چیست؟ به همین منظور تحقیق حاضر در جهت شناسایی مؤلفه‌های مذکور، تحلیل و بررسی آن‌ها و در نهایت به اشتراک گذاری نتایج آن با معماران، منتقدان و پژوهشگران معماری، در جهت بالابردن آگاهی از ارزشمندی موضوع نقد معماری، نیاز به آن، فواید بکارگیری و پیامدهای کم توجهی به این مقوله انجام گرفته است.

## پیشینه پرداختن به موضوع اهمیت و ضرورت نقد معماری

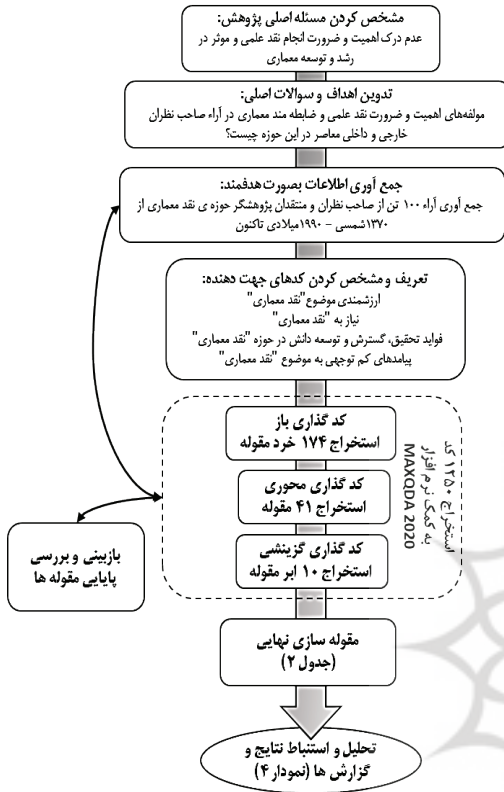
از هزاران سال پیش به روش‌های مختلف گفتمان پیرامون آثار هنر و معماری مطرح بوده، با وجود این تا آغاز دوره مدرن، نقد آثار هنری و معماری بصورتی که امروز تعریف می‌شود رواج نداشته، بلکه تنها اظهار نظرهایی درخصوص آثار هنری و زندگینامه هنرمندان به نگارش در می‌آمد که بیشتر جنبه تاریخ نگاری پیدا می‌کرد تا نقد به معنای امروزی آن. نقد به معنای آنچه امروز در نظر داریم، به طور کامل در قرون ۱۸ و ۱۹ شکل گرفته است. (Kuspit, 2014) زیرا از این زمان به بعد، از قالب تاریخ نگاری و زندگی نامه نویسی جدا شده و به عنوان یک پدیده قائم به ذات، (قره باغی، ۱۳۹۷: ۱۰۷) توسط افراد سرشناس، بصورت نگارش کتب، ایراد سخنرانی و اظهار نظر در محافل هنری رواج یافت و سپس در قالب نقدهای مطبوعاتی آغاز گردید. بطور خاص در حوزه معماری، با گسترش نشریات تخصصی در اروپا بویژه فرانسه، آلمان و بریتانیا، در اواخر سده ۱۸ میلادی، نگارش نقد آغاز گردید و تداوم یافت، [۵] (Hvattum & Hultsch, 2020 801): به تدریج نیز کسانی پیدا شدند که منتقد معماری خوانده می‌شدند و کارشان نوشتن نقد معماری در مطبوعات بود. از این دوره به بعد تا اوج گرفتن جریان مدرنیسم در معماری و پس از آن، در اواسط قرن ۲۰ با تاثیر پذیری معماری از اندیشه‌های متفکران پسامدرن، منتقدان معماری نقش مهمی در حمایت از این جریانات و یا ضدیت با آن‌ها ایفا کرده‌اند که نشان دهنده درک معماران و صاحب نظران از اهمیت موضوع نقد معماری و تاثیرات آن بر شکل گیری گفتمان‌های جدید و بر طرف کردن نقص‌های گذشته دارد. در حال حاضر نیز در غرب، طبق سنتی که از قرن ۱۸ میلادی وجود داشته، برخی از روزنامه‌های بزرگ منتقدان دائمی و یا دوره‌ای معماری دارند، یا برخی منتقدان برای چندین نشریه می‌نویسند و بر وجوه گوناگونی از مسائل معماری متمرکز می‌شوند. بطور مثال منتقدان مهم معماری همچون مارک آنتونی ویگلی منتقد و موسس نشریه Volume Magazine، بلر کامین [۶] منتقد شیگاکو تریبون و پل گلدبرگر [۷] که به عنوان منتقد حرفه‌ای فعالیت دارند و محققانی همچون الکساندر لائو و هلن جنریس [۸] از طریق ایراد سخنرانی‌ها، نگارش‌ها و مصاحبه‌های خود، سعی در ترویج و ارتقاء فرهنگ نقد و نقادی در معماری نقش مهمی داشته‌اند. همچنین نشریات معتبر و تاثیرگذار Architectural Record و The New York Times و Architectural Review و Metropolis بطور پیوسته به انتشار نقد حرفه‌ای معماری می‌پردازند. نهادهای دیگری نیز وجود دارد همچون کمیته بین المللی منتقدان معماری [۹] که با هدف ترویج گفتمان معماری‌ای فراتر از روزنامه‌نگاری و مستندسازی، بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی معماری و نقش آن در چشم‌انداز تاریخی تاکید می‌کند. (CICA, 2021) افرادی چون پیتر کالینز [۱۰] در کتاب "دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن" (1965) و "داوری معمارانه" (1971) و وین اتو [۱۱] در کتاب "معماری و اندیشه نقادانه" (1978) تلاش‌هایی جهت تبیین تاثیرات موضوع نقد معماری داشته‌اند. با این وجود هنگامی که در این منابع و منابع دانشگاهی و علمی مشابه به بررسی تحقیقات در خصوص "اهمیت و ضرورت نقد معماری" می‌پردازیم متوجه می‌شویم که همچنان تحقیقات علمی و دانشگاهی کافی در جهت فهم و درک اهمیت و ضرورت موضوع صورت نگرفته و اعم مطالب جمع‌آوری شده، بصورت اظهار نظرهایی پراکنده و غیر منسجم درباره اهمیت و ضرورت نقد در معماری مانده است. بررسی منابع مرتبط با نقد معماری در سی سال اخیر، نشان می‌دهد اغلب صاحب نظران نقد معماری و منتقدان مطرح به شناخت اهمیت و ضرورت نقد معماری نه به عنوان موضوعی برای یک تحقیق علمی، بلکه به عنوان مقدمه‌ای به منظور ارائه تحقیق خود در خصوص نقد معماری نگاه کرده‌اند و هر کدام به وجوهی مختلف از نقش و تاثیر نقد در معماری اشاره داشته‌اند.

در ایران نیز در سال‌های اخیر موضوع نقد معماری تا حدی مورد توجه دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گرفته است. بطور مثال حمیدرضا خوئی رساله دکتری خود را با عنوان "نقد و شبه نقد، تاملی در نقد آثار معماری"، (۱۳۷۹) ایمان رئیسی، با انجام رساله دکتری خود "نقد در جهت دهی معماری معاصر ایران"، (۱۳۹۵) و در تحقیقی دیگر با عنوان "تحلیل محتوای نقدهای معماری نشریات معماری ایران" (۱۳۹۰) و الهه رحمانی نیز، با نگارش رساله دکتری خود با عنوان "تدوین مدل‌های نقد معماری بر پایه اندیشه و مکاتب فکری، (۱۳۹۵) در مقدمه و طرح تحقیق خود به وجوهی از اهمیت و ضرورت نقد معماری اشاره کرده‌اند. انتشار کتاب "تجزیه و تحلیل ده اثر از پنجاه سال معماری معاصر ایران" (فیضی و خاک زند، ۱۳۸۹) و "مماس بر اثر"، (تغابنی، ۱۴۰۱) ارائه چندین مقاله علمی پیرامون موضوع نقد معماری در نشریات علمی-پژوهشی و تشکیل "جامعه منتقدین و نویسندگان معماری (SACW)" در ایران موید این موضوع است که تلاش‌هایی اگرچه اندک، در جهت رسیدن ورود به مبحث نقد معماری صورت گرفته است. با این وجود اگرچه معمارانی همچون محمد منصور فلامکی، منوچهر مزینی، امیر منصور، محمد مهدوی نژاد، کامران افشار نادری، کامران دیبا، محمد رضا حائری، علی کیافر و علیرضا تغابنی در خصوص نقد و نقش آن در معماری، قالب مصاحبه، نگارش مقاله و کتب، مطالبی را عنوان نموده‌اند، اما مرور مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد فعالیت‌هایی که در حوزه نقد معماری انجام پذیرفته، اغلب «طرح بحثی در قلمرو نقد بوده است» (مهردوست و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۱) و

محققان اهمیت و ضرورت نقد معماری را به عنوان پیش فرض پذیرفته شده در نظر گرفته و بصورت پراکنده اشاراتی به آن داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت در ایران نیز بطور کلی تحقیقی جامع در خصوص اهمیت و ضرورت نقد معماری انجام نگرفته و این موضوع در حاشیه مباحث مرتبط با نقد معماری مطرح گردیده است.

## روش تحقیق

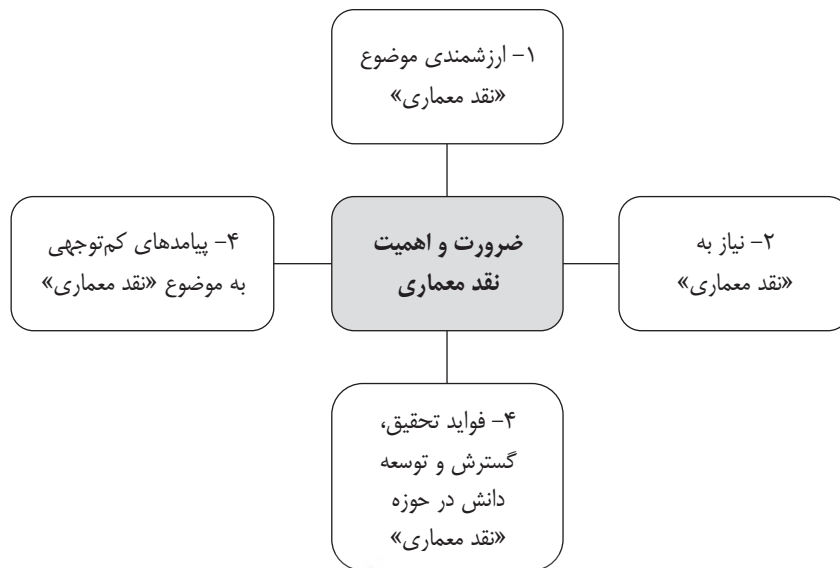
پژوهش حاضر از نظر طرح تحقیق، از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی به حساب می‌آید که در آن به منظور بررسی و تحلیل آراء صاحب‌نظران داخلی و خارجی از روش تحلیل محتوا کیفی بهره‌مند شده است. تحلیل محتوا روشی پژوهشی برای به دست آوردن نتایج تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها درباره موضوع آن‌ها است. (Krippendorff, 2004: 18) از آنجا که تحلیل محتوا معمولاً به دو روش کمی و کیفی همچنین استقرایی و قیاسی تقسیم می‌شود. با توجه به اینکه در این پژوهش با حجم انبوهی از داده‌های کیفی (شامل مصاحبه‌ها، اسناد، روایت‌ها، گزارش‌های مکتوب و...) مواجه بوده‌ایم، روش کیفی به عنوان بهترین شیوه برای طبقه‌بندی، کدگذاری و تحلیل محتوای این داده‌ها انتخاب شده است. ر.ک به (مومنی راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۹۶) همچنین در این پژوهش از شیوه "کدگذاری جهت دهنده" [۱۲] بهره گرفته شده که ترکیبی از شیوه استقرایی و قیاسی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه کدهای قیاسی در مواجهه با حجم بالای داده‌ها می‌تواند به تعیین برنامه کدگذاری اولیه یا روابط بین کدها کمک کند (Hsieh & Shannon, 2005: 1281) در این مقاله در مرحله اول از کدهایی قیاسی با تکیه بر "مؤلفه‌های اصلی اهمیت و ضرورت" که به دسته‌بندی داده‌ها جهت می‌دهند، بهره گرفته شده و سپس خرد مقولات، مقولات و ابرمقولات از طریق کدگذاری استقرایی استخراج گردیده‌اند. (تصویر ۱)



تصویر ۱- مراحل انجام تحلیل محتوای کیفی ر.ک. به (Mayring, 2015:96) و (Elo & Kyngas, 2008:110)

همچنین منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده مربوط به نقد معماری از پایگاه‌های داخلی و خارجی اطلاعات علمی و پژوهشی، اینترنت کتابخانه دانشگاه‌ها تهیه شده است. در مجموع ۱۴۰ عنوان مقاله، کتاب، گزارش، مصاحبه و... که منعکس کننده آراء ۱۰۰ تن از صاحب نظران خارجی و داخلی در مورد موضوع "نقد معماری" در سه دهه اخیر (از ۱۳۷۰ شمسی - ۱۹۹۰ میلادی تاکنون) بوده، مورد بررسی قرار گرفته است. منابع انتخابی بصورت هدفمند و بصورت مستقیم، مرتبط با حوزه نقد معماری بوده و از میان دست آوردهای علمی و پژوهشی صاحب نظران این حوزه و منتقدان معماری پژوهشگر نقد معماری انتخاب شده است. (جدول ۱) علت اصلی تمرکز این تحقیق بر بازه سی سال اخیر، تفاوت معنادار رویکرد صاحب نظران این حوزه نسبت به نقد در دوره معاصر است، که موجب شد منابع بررسی شده تا پیش از این تاریخ، به دلیل فقدان داده‌های قابل توجه در جهت نیل به اهداف تحقیق حذف گردند. همچنین کدگذاری در نقطه اشباع، یعنی زمانی که موضوع جدید از داده‌ها استخراج نشده، متوقف گردیده است. ر.ک به (هنیک و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲۴) علاوه بر این، حدود ۶۲ درصد منابع بررسی شده لاتین و ۳۸ درصد منابع فارسی هستند، که در این میان ۶۰ درصد صاحب نظران منتخب به عنوان منتقد فعالیت نداشته‌اند و صرفاً در موضوع مورد بحث به انجام پژوهش مبادرت ورزیده‌اند. ۴۰ درصد، هم زمان هم به عنوان منتقد حرفه‌ای به چاپ و انتشار نقد پرداخته و هم به عنوان پژوهشگر در این حوزه دست آورد علمی داشته‌اند. جمع‌آوری اطلاعات از این منابع، در سه مرحله ضبط داده‌ها، ویرایش و پیاده‌سازی و بر ساخت واقعیت در متن صورت گرفته است. ر.ک (به فلیک، ۲۰۱۶: ۱۳۹۳) مرحله کدگذاری، سازماندهی اطلاعات و استخراج نتایج، بصورت جداول و نمودارها به کمک نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA 2020 در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی ر.ک به (نیومن، ۱۳۹۷: ۴۴۸-۴۵۶) صورت گرفته است. در نهایت، با بررسی تمامی داده‌ها، ۱۲۵۰ کد استخراج گردیده در قالب ۱۷۴ خرد مقوله، ۴۱ مقوله و ۱۰ ابر مقوله به عنوان یافته‌های تحقیق سازمان دهی و سپس تحلیل شده است.

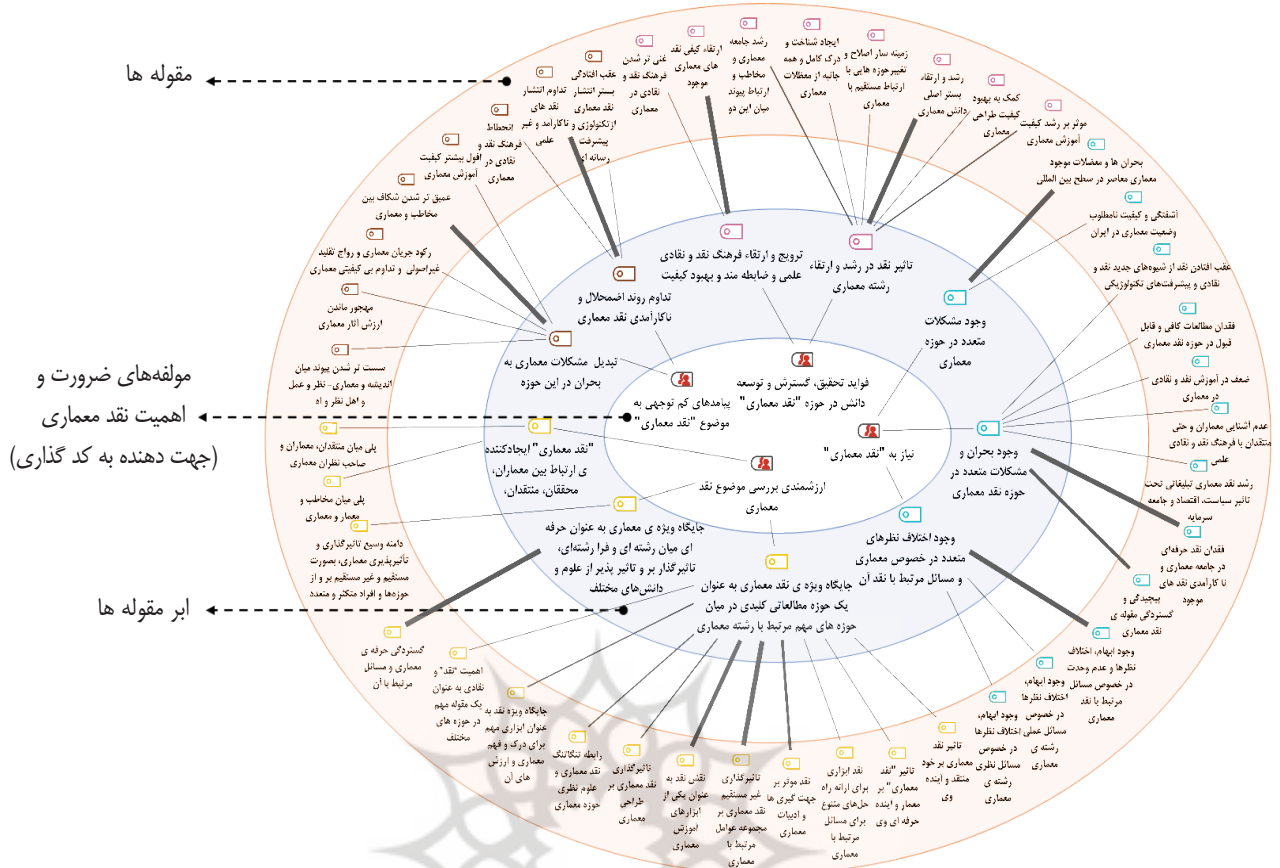
## شناسایی مؤلفه‌های جهت دهنده به فرآیند کدگذاری



تصویر ۲- مؤلفه‌های بررسی اهمیت و ضرورت موضوع "نقد معماری"

در فرهنگ معین واژه اهمیت به معنی بایسته بودن و مترادف با ارزش، قدر و تاثیر عنوان شده است. در فرهنگ دهخدا نیز به معنی لزوم، وجوب و احتیاج آورده شده که معادل آن را در زبان انگلیسی importance و یا significant [۱۳] می‌دانند. واژه ضرورت نیز در لغتنامه دهخدا، معین و عمید به معنی "نیاز" و یا آنچه به آن "نیاز" باشد آمده است که می‌توان معادل آن را در زبان انگلیسی، urgency و یا necessity دانست. طبق نظر درموت کراولی [۱۴] وقتی چیزی اهمیت دارد یعنی عوامل درونی شرایطی ایجاد می‌کنند که باید به موضوع مورد نظر بپردازیم، اما هنگامی که چیزی تحت تاثیر عوامل بیرونی است درباره ضرورت آن بحث به میان می‌آید. (2020: 114) البته در متون علمی و پژوهشی معمولاً واژه ضرورت بیشتر برای قانع کردن خواننده درباره اهمیت موضوع مورد مطالعه به کار می‌رود و از این نظر واژه اهمیت و ضرورت، علی‌رغم تفاوت معانی ظریفی که به آن اشاره شده، همراه با یکدیگر و در راستای یک هدف بیان می‌شوند. در واقع به کار بردن واژه ضرورت در کنار اهمیت، دال بر این موضوع است که محقق باید با در نظر گرفتن امور و شرایط گوناگون و با ذکر دلایل متقن و موجه استدلال نماید که چرا انجام آن تحقیق مهم و ضروری است؟ ر.ک به (عندلیب، ۱۳۹۰: ۸) و (Terrell, 2015: 16) همچنین اهمیت مسئله‌ای که مطرح می‌شود نشان می‌دهد که «آیا ضرورت دارد این مطالعه انجام شود؟ چرا باید این مطالعه را انجام دهیم؟ اگر این مطالعه انجام نشود شاهد چه پیامدهایی خواهیم بود؟» (Jha, 2014: 43) به این معنی که انجام تحقیق یا مطالعه کدام مشکل را حل خواهد کرد و اگر پژوهش انجام نگیرد چه صدمه‌هایی متوجه جامعه یا بخشی از جامعه خواهد شد، یا چه کسانی زبان خواهند دید و چه زیانی متوجه آنان خواهد شد؟ (جوی زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ۷۳) پس علاوه بر اینکه دلایل ارزشمندی تحقیق، میزان نیاز به مطالعه و تبعات عدم انجام تحقیق در مورد موضوع مطرح می‌شود، نتایج عملی تحقیق هم مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشخص می‌شود که برای چه کسانی و به چه نحوی مفید است. (Ariola, 2006: 136) در واقع «هر تحقیق بیانگر مسئله‌ای است که آن را در جامعه یا کشور یا بستر خاصی توجیه‌پذیر می‌کند، بنابراین مرتبط با سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که در حال حاضر در آن بستر وجود دارد. از این رو، محقق باید این موضوع را مشخص کند که بوسیله تحقیقی که انجام می‌دهد چگونه سیاست یا برنامه‌های جدیدی حاصل می‌شود، یا چه تغییری در سیاست‌ها و برنامه‌های فعلی به وجود می‌آید.» (Islam, 2018: 16) توضیحاتی که به عنوان اهمیت تحقیق بیان می‌شود، «باید توصیف کند که پروژه چگونه به توسعه یا تولید دانش کمک می‌کند و مشخص کند که نتایج تحقیق به چه حوزه‌های تعمیم می‌یابد، چگونه به ایجاد نظریه جدید کمک می‌کند یا کاربردهای عملی آن (به عنوان مثال، برای توسعه سیاست‌ها یا ارائه خدمات) چگونه است.» (Thomas & Hodges, 2010: 54) با توجه به آنچه در راستای تبیین معنای واژگان "ضرورت و اهمیت" عنوان گردید، پس از تحلیل مجموعه اطلاعات به دست آمده، ۴ مؤلفه اصلی ضرورت و اهمیت موضوع که می‌تواند به عنوان کدهای جهت دهنده در اولین گام فرآیند تحلیل محتوای کیفی که بصورت قیاسی انجام می‌پذیرد، بکار گرفته شده که این ۴ مؤلفه اصلی عبارتند از: ۱- ارزشمندی موضوع "نقد معماری". ۲- نیاز به "نقد معماری". ۳- فواید تحقیق، گسترش و توسعه دانش در حوزه "نقد معماری" و ۴- پیامدهای کم‌توجهی به موضوع "نقد معماری". (تصویر ۲)





تصویر ۳- شبکه ارتباطی خرد مقولات، مقولات و ابر مقولات مستخرج از آراء صاحب نظران داخلی و خارجی در مورد اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نقد معماری. ضخامت خطوط بیانگر میزان تاکید بر مقوله‌ها است.

## ۲. جایگاه ویژه نقد معماری به عنوان مطالعه‌ای کلیدی در میان حوزه‌های مهم مرتبط با رشته معماری (ارزشمندی موضوع نقد معماری)

نقد معماری بر روی حوزه‌های گسترده و متکثری، بصورت مستقیم و غیر مستقیم، تأثیر گذار است از این رو همین امر باعث می‌شود به عنوان موضوعی کلیدی و ارزشمند در ارتباط با رشته معماری مطرح گردد. یکی از مهمترین تأثیرات نقد بر معماری حول محور آگاهی می‌گردد. از آن جا که یک منتقد معماری موضوعات مهم را به گونه‌ای مطرح می‌کند که مخاطبین نقد (از جمله مردم، معماران، صاحب‌نظران، کارفرمایان و دست‌اندرکاران و...) بتوانند از زوایای گوناگون به وجوه مختلف اثری که خلق شده آگاه شوند، به نقاط ضعفش پی ببرند، تأثیر مستقیمی بر آگاهی عمومی مخاطبان می‌گذارد. به همین دلیل آگاهی دادن و روشن کردن مخاطب، به گونه‌ای که بتواند نیازها و انتخاب‌های کنونی خود را تشخیص دهند و همچنین بدانند در آینده ممکن است چه نیازها و خواسته‌هایی داشته باشد، یکی از مهمترین وظایف منتقد معماری به حساب می‌آید. (Bürge, 2010: 14) علاوه بر این یک منتقد با تأثیر گذاری بر جریان زندگی حرفه‌ای معمار، نه تنها بر آینده اجتماع بلکه بر آینده معمار، نیز تأثیر گذار است، زیرا برنامه‌ریزی‌ها و تصمیماتی که برای آینده معماری در یک جامعه گرفته می‌شود، تا حد زیادی از بازخوردها و ارزیابی‌های تصمیمات گذشته تأثیر می‌پذیرند که توسط نقد به مخاطبان و معماران منتقل می‌گردد. در عین حال نقد یک منتقد بر آگاهی خود او نیز تأثیر گذار است. نقد نوعی افشاگری درباره خود منتقد نیز هست، گویی منتقد با صدای بلند و با نیت انتقال دانش، درباره دیدگاه‌های خود نسبت به اثر صحبت می‌کند. (Smith as cited in Drier, 1990: 172) در حقیقت یک منتقد معماری با نگرارش هر نقد جدید، دیدگاه‌های خود را در مورد معماری بازسازی می‌کند، (Gadanh, 2015: 51) از این جهت، یک نقد کارآمد «حتی این توان را می‌تواند داشته باشد که برابر معیارها و دست‌مایه‌های سنجش خود منتقد نیز قد علم کند.» (کیافر، ۱۳۹۹) تا آن جا که آنچه یک منتقد احتیاج دارد بداند نقد به او می‌آموزد و ارتباطش را با اثر مورد نظر و در گسترده‌ای وسیع‌تر جایگاهش را در دنیای معماری غنی‌تر می‌کند. (Goldberger, 2013)

اما از آنجا که نقد معماری خاستگاهش در بنیان‌های نظری معماری است، (رحمانی و اعتصام، ۱۳۹۶: ۹۵) در حیطه‌ای گسترده‌تر بستر اصلی دانش معماری را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و اثری مستقیم بر تاریخ و مبانی نظری معماری می‌گذارد، بطوریکه می‌توان آن را شاخه‌ای از تاریخ و مبانی نظری در نظر گرفت و رابطه‌ای تنگاتنگ و دوسویه بین این دو مقوله برقرار کرد. (Sharp, 2006: 30) نقدی که درباره آثار معماری بیان می‌شود، درحالی که زمینه ساز شکل‌گیری مبانی نظری است، تاریخ را بیان و توصیف نیز می‌کند، به همین دلیل مایکل سورکین [۱۵] منتقد پرآوازه معماری، می‌گوید: «تاریخ و مبانی نظری معماری نیز بر شانه نقد ایستاده‌اند.» (2018: 255)

همچنین باید به تاثیرگذاری نقد در فرآیند طراحی معماری که منجر به تولید اثر معمارانه می‌شود نیز اشاره کرد. از آن جا که کل فرآیند طراحی، جریانی از ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌های متعدد است، هر بار در خلال این فرآیند تصمیمی اتخاذ می‌شود، نوعی ارزیابی [۱۶] صورت می‌پذیرد. (لنگ، ۱۳۸۸: ۷۵) این ارزیابی‌ها در امتداد نقد و قضاوت معمارانه‌ای شکل می‌گیرد که در روند طراحی، تصمیم‌گیری را غنی‌تر می‌سازند و در انتخاب شیوه طراحی مناسب نیز تاثیرگذار است. از این نظر «معماران و نظریه پردازان معماری، روند طراحی معماری را به عنوان یکی از اشکال نقد در نظر می‌گیرند.» (Jannière, 2010: 38) در محیط دانشگاهی، مکانی که طراحی معماری به دانشجویان آموزش داده می‌شود نیز نقد هم به عنوان شیوه و نوعی ابزار آموزشی محسوب شده و هم در روند داوری و ارزیابی آثار دانشجویان کاربرد دارد. علاوه بر مدرس معمار، که بطور مداوم از نقد به منظور ابزار آموزش بهره می‌برد، دانشجوی نیز به وسیله آن، طراحی خود و دیگران را ارزیابی و تفسیر می‌کند و در جهت پیشبرد کار خود بکار می‌بندد. همچنین حضور نقد در فرآیند داوری طراحی و ارزیابی دستاوردهای دانشجویان، به طور مستقیم می‌تواند بر نتایج آموزش معماری تاثیرگذار باشد. از همین رو این موضوع پرداختن به مقوله نقد از سوی مدرسین و تلاش برای دستیابی به معیارهای روشن و واضحی برای داوری آثار دانشجویان را بسیار پر اهمیت‌تر می‌کند.

### ۳. نقد معماری ایجادکننده ارتباط بین معماران، محققان، منتقدان، بهره‌وران و ذینفعان (ارزشمندی موضوع "نقد معماری")

«در یک حادثه هنری چهار عنصر نقش بازی می‌کنند: هنرمند، اثر، مخاطب و جهان بیرون (جامعه)» (موران، ۱۳۹۶: ۹) هنگامی که اثری تولید می‌شود، فرد منتقد-به عنوان شخصی که ناظر بر هر کدام از این عناصر است- ادراک، تفسیر و ارزیابی‌های خود را در قالب نقد ابراز می‌دارد و به وسیله آن، هر کدام از این عناصر را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به این ترتیب منتقد خود را در جایگاه "مطلع" می‌بیند، نه فقط در جایگاه "قاضی" و علاوه بر اینکه زوایای پنهان اثر را برای مخاطبین نقد آشکار می‌کند، تبدیل به پلی می‌شود بین اثر و مخاطبین آن، زیرا که مخاطب و هنرمند را در در کنار هم قرار می‌دهد. (The Editors, 2020) بعلاوه این که نقد ارتباط میان مخاطب عام، معمار و معماری را برقرار می‌کند، پیوندی میان معمار و دیگر معماران، نظریه پردازان حوزه معماری و حتی میان منتقدان نیز برقرار می‌سازد و به تعبیری نوعی "گفتمان انتقادی" را پیرامون معماری شکل می‌دهد.

### ۴. وجود مشکلات متعدد در حوزه معماری (نیاز به "نقد معماری")

جامعه معماری در قرن بیست و یکم با مشکلات گسترده و خاص این دوره، از مشکلات داخلی که معمار مستقیماً با آن درگیر است تا مشکلات خارج از آن (مانند معضلات اقتصادی، سیاسی و حتی زیست محیطی) مواجه است که بسیاری از این مشکلات لاینحل باقی مانده و گفتمان جدی‌ای پیرامون حل آن‌ها صورت نمی‌گیرد. نیکوس سالینگاروس، [۱۷] صاحب نظر معماری، با اشاره به کیفیت نامطلوب و نامناسب آثار معماری در غرب، دلیل تداوم این وضعیت را معیارهای قضاوت و ارزیابی نادرست محیط ساخته شده می‌داند که به اندازه کافی به آن‌ها توجه نشده و در نتیجه بناهای ضعیفی که باید الهام بخش معماران باشند، در رسانه‌ها و همچنین در دانشگاه‌ها به‌عنوان مدهای جدید مطرح می‌شوند. (Salingaros, 2015) در این جا منتقد معماری نقش مهمی ایفا می‌کند. او وظیفه دارد مشکلات معماری را نمایان و منعکس سازد و در جهت ایجاد تغییر و بر طرف نمودن نابسامانی‌ها در حوزه معماری گام بردارد.

### ۵. وجود اختلاف نظرهای متعدد در خصوص معماری و مسائل مرتبط با نقد آن در نزد معماران و صاحب نظران (نیاز به "نقد معماری")

همانطور که پیشتر اشاره شد، معماری مقوله‌ای پیچیده و گسترده به حساب می‌آید، تا جایی که این گستردگی و پیچیدگی موجب شده در ابتدائی‌ترین مفاهیم مرتبط با آن نیز شاهد اختلاف نظر و تنوع آراء باشیم. ر. ک به (Friedman, 2015: 84) در واقع مسائل مربوط به رشته معماری، تنوع آراء در خصوص آن و گوناگونی دیدگاه‌ها درباره نقد و روش‌هایش باعث می‌شود این حوزه مملو از اختلاف و تضاد نظرات باشد. نقد خود رشته‌ای پیچیده و چند وجهی است. با وجود اینکه از پانصد سال پیش تاکنون، نظریات گوناگونی در خصوص ارزش گذاری آثار هنری



و معماری مطرح شده و پدید آورندگان آن‌ها هر یک از موضع و منظری معین به مقوله نقد نگاه کرده‌اند، اما هیچ کدام نتوانسته‌اند معیار مشخص و فراگیری را برای نقد آثار ارائه دهند و حتی برخی از این مکاتب رویکردهای بسیار متضاد و متناقض با یکدیگر اتخاذ کرده‌اند. نظر به وجود چنین کثرت و پیچیدگی‌هایی، هم در حوزه معماری و هم در ارتباط با نقد آن، مطمئناً رسیدن به معیارهایی که محل توافق نظر جمع کثیری از منتقدان باشد نیاز به مطالعات و بررسی‌های عمیق‌تر و در عین حال گسترده‌تری دارد.

#### ۶. وجود بحران و مشکلات متعدد در حوزه نقد معماری (نیاز به "نقد معماری")

در حال حاضر فقدان نقد حرفه‌ای کافی و همچنین کمبود مطالعات و تحقیقات علمی در این زمینه باعث شده نقد حرفه‌ای معماری مبتنی بر تحقیقات علمی به عنوان یک رشته روشن با مرزهای خاص، پیشرفت چندانی نداشته باشد و همچنان جامعه معماری با کمبود قابل توجه منتقدانی که به مسائل مرتبط با نقد آن از دریچه علمی بنگرد، مواجه باشد. (Preiser et al., 2015: 3) بخشی از این کمبود مرتبط است با فعالیت روزنامه نگاران و منتقدان غیر حرفه‌ای، آموزش ندیده و تازه کار در فضای رسانه‌ای جدید. (Crosbie, 2015: 37) اگرچه از دیرباز در غرب، نشریات معروف معماری عهده دار چاپ نقدهای حرفه‌ای بوده‌اند، اما «در طی سال‌های اخیر به دلیل رشد رسانه‌های دیجیتالی و شبکه‌های ارتباطی، این قبیل نشریات کارمندان خود را کاهش داده، با نشریات دیگر ادغام شده و یا به طور کامل منحل شده‌اند و در نتیجه تعداد نقدهای حرفه‌ای نیز کاهش یافته است. در عوض، تعداد منتقدانی که نوشته‌های آنها در اینترنت و شبکه‌های مجازی در دسترس است، روز به روز گسترش می‌یابد» (Arief, 2012) در حالی که بیشتر این منتقدان روزنامه‌نگار هستند که به طور معمول جزو افراد متخصص و حرفه‌ای در کار نقد به شمار نمی‌روند و تعداد کسانی که نهایتاً منتقد معماری می‌شوند نیز انگشت شمار است. ر.ک به (Wolfsonian Public, 2020) از سویی دیگر منتقدان معماری نیز، آموزش مناسبی جهت کسب مهارت کافی برای نگارش نقد نمی‌بینند، زیرا در آموزش نقد و نقادی خلأهای جدی‌ای وجود دارد، بنابراین انتشار نقدهای علمی کمتر رشد کرده و بیشتر به سمت چاپ نقدهای تبلیغاتی در جهت تامین منافع مالی شرکت‌ها و نهادهای حامی نشریات پیش رفته است. (Fisher, 2009: 15) [۱۸] در چنین وضعیتی که ابهام در معیارهای نقد و فقدان وجود منتقدان آموزش دیده و حرفه‌ای، فضا را برای غلبه تبلیغات و مداخله این جریان‌ها آماده ساخته است نمی‌توان انتظار داشت که فرهنگ نقد و نقادی در حال گسترش و ارتقاء باشد.

#### ۷. تاثیر نقد در رشد و ارتقاء رشته معماری (فواید تحقیق، گسترش و توسعه دانش در حوزه "نقد معماری")

همانطور که پیشتر اشاره شد، مسئله عدم وحدت و تنوع آراء در رشته معماری، یکی از مهمترین معضلاتی که امروز جامعه معماری با آن مواجه است. از آنجا که بخشی از این پراکندگی و هرج و مرج در مباحث نظری و عملی ناشی از نا آگاهی و یا کم آگاهی معماران نسبت به مسائل و مشکلات معماری است، در این جا نقد معماری می‌تواند در جهت هم‌راستایی و توافق نظر میان معماران و صاحب نظران این حوزه نقش برجسته‌ای ایفا نماید. (Dwidar, 2018: 4710) پرداختن به نقد و شنیدن نظرات متکثر و گوناگون به واسطه آن، در نهایت زمینه را برای رسیدن به توافقات و نتایج هم راستا با یکدیگر فراهم می‌آورد در عین حال شنیدن بازخوردها، درک ارزش‌ها از وجوه مختلف و ترسیم نمایی از وضعیت موجود به وسیله انتشار نقدهای گوناگون می‌تواند کلیدی باشد برای حل بسیاری از مشکلات نظری و عملی معماری. (Tarasova, 2018: 1) به علاوه، نقد معماری می‌تواند فرصتی فراهم آورد تا بسیاری از پیش فرض‌های ما را در خصوص اثر معماری نمایان کرده، به چالش کشیده و در نهایت ارزش‌های پذیرفته شده پیشین زیر سوال ببرد. در صورتی که یک منتقد به قصد ایجاد تغییر در آینده به نگارش نقد روی آورد، نه تنها وجود آینده‌ای عاری از ضعف‌های قبلی را تضمین می‌کند، بلکه با آماده شدن اذهان برای تغییر آنچه وجود دارد، به جنبش‌های آوانگارد و پیشرو، امکان رشد و ارتقاء موثرتری را خواهد داد. «جامعه ساکن نیست. بنابراین معماری نیز نمی‌تواند راکد باقی بماند» (Bates, 2019: 84) و این منتقدان معماری هستند که وظیفه ایجاد حرکت و زمینه‌سازی جهت تغییر را ایجاد می‌کنند. به همین جهت، حتی ادامه حیات معماری را تا حد زیادی وابسته به نقد آن دانسته‌اند، زیرا نقد نیز مانند روند جایگزین کردن سلول‌های مرده بدن است که با سلول‌های جدید به ادامه حیات آن کمک می‌کند. (افشارنادر، ۱۳۷۷: ۳۶) در حیطه طراحی معماری نیز، مطمئناً مجموعه تدوین شده‌ای از معیارهای علمی نقد، قضاوت و ارزیابی طراحی می‌تواند سطح بحث را تا حد زیادی ارتقاء بخشد. در زمینه آموزش طراحی معماری در مدارس نیز، نقد فنی بنیادین به حساب می‌آید که می‌توان به وسیله آن آلتیه‌های معماری را در آموزش طراحی معماری پویاتر و کارآمدتر کرد. زیرا که یکی از عوامل مهم و موثر در فعال کردن تفکر طراحی و به نوعی، عامل مهم کرکسیون دانشجویان با استاد محسوب می‌شود. به همین دلیل ایجاد روش‌های نظام مند نقد می‌تواند منتهی به دستیابی به شیوه‌های موثرتر آموزش معماری گردد. (علیزاده و اکرمی، ۱۳۹۷: ۵۹) روش تحلیل و نقد پیشنهادی می‌تواند علاوه بر افزایش توانمندی دانشجویان در نقد و تحلیل آثار معماری، زمینه‌های مناسبی برای آموزش تاریخ،

هنر و نحله‌های ادبی در بستر آموزش معماری و امکان نقد آن را فراهم آورد. (زمان سلطانی، ۱۳۹۷: ۱۶۲-۱۶۳) علاوه کمک به بهبود توانایی دانشجویان جهت نگارش و بیان نقطه نظرات و دیدگاه‌هایشان بر اساس اصول و ضوابط علمی، صریح و کارآمد، به عنوان یکی دیگر از اثرات مثبت حضور نقد در روند آموزش معماران قابل ذکر است. [۱۹] نگارش نقطه نظرات و اشتراک گذاری آن‌ها در قالب نقد موجب معقول‌تر شدن و ضابطه‌مند شدن بیشتر نقدهای دانشجویان خواهد شد و توانایی آنان را برای بیان نقطه نظرات و مشارکت در گفت‌وگوهای پیرامون معماری ارتقاء می‌بخشد. ر. ک به (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰)

## ۸. ترویج و ارتقاء فرهنگ نقد و نقادی علمی، ضابطه‌مند و بهبود کیفیت نقدهای معماری (فواید تحقیق، گسترش و توسعه دانش در حوزه "نقد معماری")

در حال حاضر با توجه به وضعیت موجود و بحرانی نقد معماری، در وهله نخست، توجه بیشتر به این موضوع و انجام پژوهش‌های وسیع‌تر می‌تواند تاثیر قابل توجهی را بر جلوگیری از کم‌توجهی به نقد معماری و ترویج فرهنگ نقد و نقادی در این رشته داشته باشد. در حالی که فرهنگ نقد و نقادی، نه تنها به دلیل فقدان نقدهای کارآمد و مفید در جامعه معماری مورد تهدید واقع شده، بلکه به دلیل وجود اظهار نظرهای سلیقه‌ای و یا سیاسی و تبلیغاتی و حتی صرفاً توصیفی، بدون معیار دقیق و روشن جهت داوری و ارزیابی آثار، نقد معماری را به سمت اضمحلال کشانده، [۲۰] ترویج معماران به نگارش درباره معماری و مطرح نمودن نقدهای حرفه‌ای بیشتر توسط منتقدان آموزش دیده موجب می‌شود، فرهنگ نقد و نقادی اشاعه بیشتری یافته و یا اینکه حداقل با آگاه شدن مخاطبان از معضلات موجود حوزه نقد و نقادی در معماری، اراده قوی‌تری برای فائق آمدن به این قبیل مشکلات ایجاد گردد. این مسئله نباید فراموش گردد که در دهه‌های اخیر با مسئله با اهمیت عدم هماهنگی طرح و انتشار نقد معماری با تغییرات روز و تکنولوژی مواجه شده‌ایم. پس از حذف گسترده انتشار نقد در رسانه‌های اصلی، منتقدان حرفه‌ای در حال یافتن مکانی جایگزین برای توسعه حرفه خود در مجلات مستقل و فضای مجازی هستند. چنانچه پرداختن به موضوع نقد معماری توسط نهادهای آموزشی و تربیت بیشتر منتقدان حرفه‌ای همگام با پیشرفت‌های این فضای جدید صورت گیرد. مطمئناً این جریان می‌تواند تبدیل به عامل قدرتمندی از در رشته معماری دانش گردد.

## ۹. تبدیل مشکلات معماری به بحران در این حوزه (پیامدهای کم‌توجهی به "نقد معماری")

چنانچه بسیاری از جنبه‌های ارزشمند و یا نامناسب یک اثر مغفول باقی بماند و آثار معماری به صورت کامل درک نشود، در عین حال ابزاری نیز نباشد که بتواند در فهم جامع‌تر و نمایان ساختن جنبه‌های پنهان آن‌ها مخاطب را یاری دهد، بسیاری از اشتباهات محکوم به تکرار مجدد می‌شوند و یا زمینه برای ایجاد بسیاری از تحولات مثبت ایجاد نمی‌گردد. بازخوردها و مطالبات مخاطبان کمتر دیده می‌شود و طبیعتاً گفتمانی پیرامون آنچه ساخته می‌شود شکل نخواهد گرفت. ر. ک به (Lange, 2012a) این امر چه بسا معماری را دچار رکود و تکرار کرده، عاملی شود جهت رواج بیشتر تقلید غیر اصولی در میان معماران. علاوه بر این، با توجه به تأثیری که نقد می‌تواند در بهبود کیفیت معماری و ساختن آینده‌ای بهتر داشته باشد، کم‌توجهی به این مقوله برابر است با تداوم بی‌کیفیتی معماری، آشفتگی و عدم توافق نظر میان صاحب نظران، معماران و لاینحل ماندن مشکلات گسترده موجود. در واقع کم‌اهمیت شمردن موضوع نقد معماری به منزله کاهش مطالبه عمومی برای تغییر در جهت بهبود اوضاع است که موجب شکاف بیشتر میان معمار، مخاطب و معماری می‌گردد. این شکاف درباره رابطه میان صاحب نظران معماری با یکدیگر نیز صدق می‌کند. با فاصله گرفتن معماران از منتقدان حرفه‌ای، معضل امروز جامعه هنر و معماری یعنی "خودشیفتگی معمار"، به معنی معماری که نقد را به هیچ صورتی بر نمی‌تاباند، برون‌تر خواهد شد. [۲۱] ر. ک به (Tzonis & Lefavre, 2018: 116-118) به علاوه، با توجه به اینکه نقد به عنوان رکن آموزشی و ابزاری برای انتقال دانش پیشینه‌ها و تاریخ معماری محسوب می‌شود، عدم پرداختن به آن موجب ضعف سیستم آموزشی نیز می‌گردد. چنانچه داوری و قضاوت در روند آموزش رشته معماری - که بطور مستقیم با مسئله نقد آن در ارتباط است - مجهز به سازو کارها و روش نقد و یا ابزارهای قضاوت مشخص نباشد، امکان ورود نافرجام تفاسیر شخصی و یا مطالبات غیرمرتبط با اهداف آموزشی، این قضاوت را مخدوش و زمینه‌رشد و بالندگی استعداد‌های دانشجویان را از بین خواهد برد.

## ۱۰. تداوم روند اضمحلال و ناکارآمدی نقد معماری (پیامدهای کم‌توجهی به "نقد معماری")

در حال حاضر، نظر به کمبود منتقد حرفه‌ای معماری دور از انتظار نیست که آنچه به عنوان نقد منتشر می‌شود بیشتر تحت تاثیر معضلات سیاسی و اقتصادی باشد، یا زیر نفوذ نظام سرمایه داری و یا درگیر تبلیغات. (Fromonot, 2019: 17-19) بسیاری از نشریات نیز تحت نفوذ سیستم سرمایه داری، به نیاز جامعه و موضوعاتی که نقد و ارزیابی آن‌ها در آینده هنر و معماری موثر باشد نپرداخته و روی معماران مشهور، افراد معروف و آثاری که به نحوی سود و زیان خاصی را متوجه نهادهای بالا دست می‌کنند، متمرکز می‌شوند. «در فرهنگی که افراد و آثار

معماری به دلیل شهرت مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرند، نقد و ارزیابی منصفانه کنار گذاشته می‌شود و منتقدان مجبور می‌شوند به سبک یک سیاستمدار بازی کنند. « (Davis,2015: 31) علاوه بر این در کنار نفوذ جریان‌های بالادست و قدرت لابی‌های خاص که بر منتقد معماری فشار وارد می‌کند، ساختارهای تحریریه‌ای قدرتمندی نیز وجود ندارد که از منتقد منصف و بی‌طرف حمایت کند. بنابراین نقدهای نادرست احساسی که هیجان بالاتری ایجاد می‌کنند طرفدار بیشتری پیدا کرده و در عمل، در جهت تامین منافع عده‌ای خاص و به نفع فروش و شهرت نشریه عمل می‌کند. (The Editors,2019) طبیعتاً با رواج نقدهای این چنینی، نشریات نیز تمایلی ندارند منتقدانی را استخدام کنند که منافعتشان را تامین نمی‌کنند و به سمت نقدهایی متمایل می‌شوند که از قضاوت دوری کرده و صرفاً به توصیف ظواهر معماری بپردازند. (Ferrando,2014: 3) در نهایت در مواردی هم راستا با این جریانات، منتقدانی که قضاوت علمی و منصفانه دارند کنار گذاشته می‌شوند و یا بسیاری از معماران منتقد، از اینکه همکاران خود را نقد کنند اجتناب می‌کنند. با رواج نگارش و نشر نقدهای ناکارآمد، به تدریج فرهنگ نقد و نقادی نیز بیش از پیش در معرض نابودی قرار می‌گیرد. در عین حال گسترش انواع و اقسام رسانه‌ها، شیوه نقد و ابراز اندیشه‌های انتقادی را دستخوش تغییر کرده، موجب شده متن نوشتاری اهمیت سنتی خود را به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط با اثر معماری از دست بدهد و به سرعت با گزارش‌هایی مملو از عکس‌های جذاب و سهل‌الوصول جایگزین شود. در عصر حاضر وب سایت‌ها با تصاویر بینندگان را بمباران می‌کنند و معماری را به عنوان یک هنر نمایشی به تصویر می‌کشند که ایجاد نوعی توهم دیداری کرده و توانایی درک واقعیت را در معرض خطر قرار می‌دهد، چرا که باعث می‌شود قضاوت و داوری مخاطبان توسط مجموعه‌ای از تصاویر بصری که منعکس کننده تمام جنبه‌های واقعی اثر نیست، انجام پذیرد. ر. ک به (Fisher,2015: 75) از طرفی، پیشرفت نقد در معماری همگام با این تغییرات و پیشرفت‌های فن‌آوری روز که باعث تغییر اساسی نحوه تصور و ساخت ساختمان‌ها شده، نبوده است. (Iamster,2017: 41-40) عقب افتادن بیشتر منتقدان حرفه‌ای و کهنه کار از این فضای جدید و تسلط منتقد نماها به این فضا موجب می‌شود نه تنها تلاش‌های اندک صورت گرفته جهت رسیدن به معیارهای علمی نقد در معماری تاثیر خود را از دست بدهد، بلکه به سبب آشفتگی و نابسامانی وضعیت نقد معماری تعداد کمتری از محققان به فعالیت در این زمینه اهتمام بورزند.

جدول ۲- مؤلفه‌های جهت دهنده، خرد مقولات، مقولات و ابر مقولات مستخرج از آراء پژوهشگران و صاحب نظران منتقد داخلی و خارجی در مورد اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نقد معماری.

خرد مقولات	مقولات	ابر مقولات
<ul style="list-style-type: none"> <li>- جایگاه ویژه معماری به عنوان حرفه‌ای فنی و هنری</li> <li>- دامنه گسترده مخاطبان معماری (از عموم مردم تا صاحب‌نظران این حوزه)</li> <li>- افزایش ساخت‌وساز و در نتیجه افزایش مطالبه عمومی از بهره‌برداران تا صاحب‌نظران و معماران به منظور تولید آثار مطلوب معماری</li> <li>- وجود برنامه‌های موثر در توسعه اقتصاد شهر از طریق تولید آثار شاخص معماری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>گسترده‌گی حرفه معماری و مسائل مرتبط با آن</li> </ul>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- تاثیرگذاری بر و تاثیرپذیری مستقیم معماری بر و از صاحب‌بخش اجرایی حوزه معماری، شهرسازی، دانش نظری و عملی معماری و شهرسازی و آموزش معماری</li> <li>- تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مستقیم معماری بر و از صاحب‌نظران معماری، بهره‌وران آثار معماری، مخاطبان نقد معماری، معماران، مشاوران و پیمانکاران، منتقدان و صاحب‌نظران معمار، مدیران ذیربط و کارفرمایان آثار معماری، مدرسان معماری، دانشجویان معماری و دست‌اندرکاران بخش آموزش معماری</li> <li>- تاثیرگذاری و تاثیرپذیری غیر مستقیم معماری بر و از عموم مردم، سیاستمداران، مسئولین ذیربط حوزه معماری، صاحب نظران امور فرهنگی و هنری</li> <li>- تاثیرگذاری و تاثیرپذیری غیر مستقیم معماری بر و از محیط زیست، فرهنگ، سیاست‌های بالادست، اقتصاد، محیط زیست</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>دامنه وسیع تاثیرگذاری و تاثیرپذیری معماری، بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر و از حوزه‌ها و افراد متکثر و متعدد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>۱. جایگاه ویژه معماری به عنوان حرفه‌ای میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای، تاثیرگذار بر و تاثیرپذیر بر علوم و دانش‌های مختلف</li> </ul>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- قدمت و پیشینه طولانی کاربرد «نقد» در حوزه‌های مختلف مانند ادبیات، فلسفه، هنر و... به عنوان یک مبحث مهم و تاثیرگذار</li> <li>- مطرح بودن نقد و نقادی به عنوان یک حرفه و رشته تخصصی و مهم در جهان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>اهمیت «نقد» و نقادی به عنوان یک مقوله مهم در حوزه‌های مختلف</li> </ul>	

«نقد معماری»  
ارزشمندی موضوع

ابر مقولات	مقولات	خرد مقولات
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- نقد معماری به عنوان آگاه کننده طیف وسیعی از مخاطبان</li> <li>- نقد معماری ابزار درک و فهم معماری و ارزش‌های موجود در آن</li> <li>- نقد معماری عاملی برای شکل‌گیری گفتمان معمارانه پیرامون اثر</li> <li>- نقد معماری بازتاب دهنده نظریات و عقاید مختلف موجود درباره معماری</li> <li>- نقد معماری منعکس کننده بازخودها و مطالبات مخاطبان و کاربران آثار معماری</li> <li>- نقد معماری توصیف کننده و بازتاب دهنده وضعیت موجود معماری</li> <li>- ارتقاء آگاهی عمومی درباره معماری و در نتیجه افزایش یافتن گستره مخاطبان نقد معماری</li> <li>- گسترش وسایل ارتباط جمعی و در نتیجه افزایش یافتن دامنه مخاطبان نقد معماری</li> </ul>
	<p>جایگاه ویژه نقد به عنوان ابزاری مهم برای درک و فهم معماری و ارزش‌های آن</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نقد، ابزار سنجش، داوری و بستر اصلی دانش معماری</li> <li>- ارتباط دوسویه نقد و نظریه معماری</li> <li>- ارتباط تنگاتنگ نقد و مبانی نظری معماری</li> <li>- نقد زیر مجموعه‌ای از تاریخ معماری</li> <li>- نقد پشتوانه‌ای برای طراحی معماری</li> <li>- مطرح بودن ارزیابی، قضاوت و تصمیم‌گیری‌های مداوم، به عنوان بخش مهمی از فرآیند طراحی</li> <li>- نقد معماری موثر بر رشد کیفی شیوه‌های طراحی</li> <li>- نقد، یکی از اصلی‌ترین ابزار آموزشی در کارگاه‌های طراحی معماری</li> <li>- نقد معماری به عنوان پیش زمینه‌ای جهت آموزش مبانی طراحی</li> <li>- نقد معماری ابزاری در جهت بررسی پیشینه‌های طراحی در فرآیند آموزش آن</li> <li>- نقد معماری موثر بر ارزیابی و ارزشیابی آثار دانشجویان</li> <li>- نقد موثر بر ادبیات معماری معاصر</li> <li>- نقد موثر بر ادبیات معماری آینده و موثر بر تحول دیدگاه‌ها، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات، نظریات آتی معماران و صاحب‌نظران معماری</li> <li>- نقد، زیربنای تغییرات کمی و کیفی در معماری</li> <li>- نقد موثر بر رد ارزش‌ها یا شکل‌گیری ارزش‌های جدید در معماری</li> <li>- نقد موثر بر شکل‌گیری جنبش‌ها و آثار آوانگارد در معماری</li> <li>- نقد منعکس کننده مشکلات، معضلات و کاستی‌های موجود در معماری</li> <li>- نقد موثر در یافتن ارائه راه‌حل‌های متنوع‌تر برای مشکلات معماری</li> <li>- نقد یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص مسائل و مشکلات مرتبط با معماری</li> <li>- نقد معماری عاملی برای درک بهتر معمار از اثر خود</li> <li>- نقد معماری موثر بر جهت‌گیری‌ها و تصمیمات آینده معمار</li> <li>- نقش نقد در آگاه‌سازی و ارتقاء دانش معمار به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در نتیجه اثرگذاری بر آثار او</li> <li>- نقد منعکس کننده دیدگاه‌ها و نیت منتقد درباره معماری</li> <li>- تاثیر نقد در غنی‌تر شدن جایگاه منتقد در رابطه با آثار</li> <li>- نقد معماری موثر بر سیاست‌های بالادست</li> <li>- نقد معماری موثر بر فرهنگ و تحولات جامعه</li> </ul>
	<p>رابطه تنگاتنگ نقد معماری و علوم نظری حوزه معماری</p>	
	<p>تاثیرگذاری نقد معماری بر طراحی معماری</p>	
۲. جایگاه ویژه نقد معماری به عنوان مطالعه‌ای کلیدی در میان حوزه‌های مهم مرتبط با رشته معماری		
	<p>نقد به عنوان یکی از ابزارهای آموزش معماری</p>	
	<p>نقد موثر بر ادبیات معماری معاصر</p>	
	<p>نقد موثر بر ادبیات معماری آینده و موثر بر تحول دیدگاه‌ها، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات، نظریات آتی معماران و صاحب‌نظران معماری</p>	
	<p>نقد، زیربنای تغییرات کمی و کیفی در معماری</p>	
	<p>نقد موثر بر رد ارزش‌ها یا شکل‌گیری ارزش‌های جدید در معماری</p>	
	<p>نقد موثر بر شکل‌گیری جنبش‌ها و آثار آوانگارد در معماری</p>	
	<p>نقد منعکس کننده مشکلات، معضلات و کاستی‌های موجود در معماری</p>	
	<p>نقد موثر در یافتن ارائه راه‌حل‌های متنوع‌تر برای مشکلات معماری</p>	
	<p>نقد یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص مسائل و مشکلات مرتبط با معماری</p>	
	<p>نقد معماری عاملی برای درک بهتر معمار از اثر خود</p>	
	<p>نقد معماری موثر بر جهت‌گیری‌ها و تصمیمات آینده معمار</p>	
	<p>نقش نقد در آگاه‌سازی و ارتقاء دانش معمار به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در نتیجه اثرگذاری بر آثار او</p>	
	<p>نقد منعکس کننده دیدگاه‌ها و نیت منتقد درباره معماری</p>	
	<p>تاثیر نقد در غنی‌تر شدن جایگاه منتقد در رابطه با آثار</p>	
	<p>نقد معماری موثر بر سیاست‌های بالادست</p>	
	<p>نقد معماری موثر بر فرهنگ و تحولات جامعه</p>	
	<p>تاثیر نقد معماری بر خود منتقد و آینده وی</p>	
	<p>تاثیرگذاری غیرمستقیم «نقد معماری» بر</p>	

ابر مقولات	مقولات	خرد مقولات
	مجموعه عوامل مرتبط با این رشته (فرهنگ، سیاست‌های بالادست، اقتصاد، محیط زیست و...)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نقد معماری موثر بر اقتصاد</li> <li>- نقد معماری تاثیرگذار بر کیفیت محیط مصنوع</li> <li>- نقد معماری موثر بر محیط زیست</li> </ul>
۳. «نقد معماری» ایجادکننده ارتباط بین معماران، محققان، منتقدان، بهره‌وران و ذی‌نفعان	نقد معماری پلی میان مخاطب و معمار و معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- برقرار کننده ارتباط دو جانبه میان معمار و مخاطب</li> <li>- نقد معماری عامل در کنار هم قرار گرفتن معمار و مخاطبان</li> <li>- ابزاری برای انتقال بازخوردها و مطالبات مخاطبان</li> </ul>
	نقد معماری پلی میان منتقدان، معماران و صاحب‌نظران معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتباط معماران با یکدیگر از طریق نگارش و بیان نقد آثار یکدیگر</li> <li>- نقد معماری عامل شکل‌گیری گفتمان در جامعه منتقدان معماری</li> <li>- نقد معماری برقرار کننده رابطه میان صاحب‌نظران غیر منتقد و منتقدان معماری</li> </ul>
۴. وجود مشکلات متعدد در حوزه معماری	بحران‌ها و معضلات موجود معماری معاصر در سطح بین‌المللی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کثرت و عدم وجود وحدت در آراء و ارزش‌های معماران معاصر</li> <li>- بحران معنا و هویت در معماری</li> <li>- بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تاثیرگذار بر محیط مصنوع</li> <li>- بی‌توجهی به مشکلات و مصائب گسترده حرفه معماری</li> </ul>
	آشناقتگی و کیفیت نامطلوب وضعیت معماری در ایران	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آشناقتگی در معماری معاصر (به ویژه در ایران)</li> <li>- کیفیت نامطلوب معماری معاصر (به ویژه در ایران)</li> </ul>
۵. وجود اختلاف نظرهای متعدد در خصوص معماری و مسائل مرتبط با نقد آن در نزد معماران و صاحب‌نظران	وجود ابهام، اختلاف نظرها و عدم وحدت در خصوص مسائل نظری رشته معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم تفاهم بر سر مسائل بنیادین معماری، همچون تعریف و ماهیت آن</li> <li>- دامنه وسیع اختلاف نظرات و آراء متنوع و متفاوت در رشته معماری در حوزه‌هایی همچون مبانی نظری معماری، بحث‌های زیبایی‌شناسانه و طیف گسترده‌ای از مباحث میان رشته‌ای تاثیرگذار بر معماری</li> </ul>
	وجود ابهام، اختلاف نظرها و عدم وحدت در خصوص مسائل عملی رشته معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- دامنه وسیع اختلاف نظرها و آراء متنوع و متفاوت در مسائلی فنی و عملی رشته معماری، همچون فرآیند تولید آثار معماری، ساز و کار و مدیریت، اجرای کار، فرآیندهای اجرایی، عملیاتی و نظارتی</li> </ul>
	وجود ابهام، اختلاف نظرها و عدم وحدت در خصوص مسائل مرتبط با نقد معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ابهام در معنی و تعریف ماهیت نقد و همچنین نقد معماری</li> <li>- وجود ابهام و کثرت در آراء موجود درباره نحوه درک و ارزش‌گذاری آثار معماری</li> <li>- عدم وجود اتحاد نظر و وحدت درباره ارکان و معیارهای نقد معماری</li> </ul>
۶. وجود بحران و مشکلات متعدد در حوزه نقد معماری	پیچیدگی و گستردگی مقوله نقد معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود رویکردهای مختلف و متکثر در خصوص نقد معماری</li> <li>- وجود تنوع و گستردگی در روش‌های نقد و نقادی در معماری</li> <li>- عدم وجود معیارهای روشن، علمی و ضابطه‌مند به منظور نقد معماری</li> <li>- مطالعات اندک و محدود و فقر منابع در حوزه مبانی نظری نقد معماری</li> </ul>
	فقدان مطالعات کافی و قابل قبول در حوزه نقد معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نا آگاهی پژوهشگران حوزه معماری و معماران درباره اهمیت و ضرورت نقد معماری</li> <li>- بی‌توجهی به مقوله نقد نقادی در معماری در میان تحقیقات دانشگاهی و علمی</li> <li>- وجود مطالعات و رویکردهای محدود و تک بعدی نسبت به موضوع نقد معماری</li> </ul>
	فقدان نقد حرفه‌ای در جامعه معماری و نا کارآمدی نقدهای موجود	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بحران اضمحلال و مرگ فرهنگ نقد و نقادی در سطح جهانی</li> <li>- کمبود منتقد معماری آموزش دیده و حرفه‌ای</li> <li>- کمبود نقد حرفه‌ای معماری در نشریات در رسانه‌های معماری دانشگاهی و یا غیردانشگاهی</li> </ul>

ابر مقولات	مقولات	خرد مقولات
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- فعالیت روزنامه نگاران غیر متخصص به عنوان منتقد معماری</li> <li>- رایج نبودن اشتغال به کار نقد به عنوان یک فعالیت حرفه‌ای</li> <li>- وجود نقدهای غیر علمی - سلیقه‌ای و احساسی در جامعه معماری</li> <li>- نا آشنایی معماران با اصول نگارش نقد معماری</li> <li>- رواج نقدهای معماری صرفاً توصیفی</li> </ul>
	افزایش تعداد نقدهای معماری تبلیغاتی تحت تاثیر سیاست، اقتصاد و جامعه سرمایه‌داری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تبدیل نقد معماری به ابزاری سود آور برای تبلیغ مقاصد شخصی و گروهی و یا در جهت تامین سیاست‌های بالادست</li> <li>- افزایش نقدهای سفارشی و گزارش‌های تبلیغاتی برای برخی از معماران در جهت تامین منافع اقتصادی و سیاسی، یا ایجاد شهرت کاذب</li> <li>- توجه بیش از حد منتقدان به آثار معماران مشهور و ستاره‌دار</li> </ul>
	عدم آشنایی معماران و حتی منتقدان با فرهنگ نقد و نقادی علمی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم آشنایی معماران با اصول، معیارها و شیوه‌های نقد در معماری</li> <li>- عدم تحمل نقد و نقادی در میان معماران</li> <li>- احتراز منتقدان از نقد افراد بسیار مشهور</li> <li>- بی‌توجهی و عدم پاسخگویی معماران به نقد آثارشان و یا جبهه‌گیری و عدم پاسخگویی به انتقادات مطرح شده</li> </ul>
	ضعف در آموزش نقد و نقادی در معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نا آگاهی مدرسان از اهمیت نقد علمی و ضابطه‌مند معماری و تاثیر آن بر فرآیند آموزش</li> <li>- عدم آشنایی مدرسان معماری با مفاهیم و شیوه‌های نقد معماری</li> <li>- مطالعات ناکافی در زمینه روش‌های آموزش نقد معماری در مدارس</li> </ul>
	عقب افتادن نقد از شیوه‌های جدید نقادی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گسترش رسانه‌ها و عدم آشنایی منتقدان قدیمی با فضای رسانه‌های جدید</li> <li>- عدم استفاده منتقدین حرفه‌ای از قابلیت‌های رسانه‌های نو ظهور و اتکاء به روش‌های قدیمی چاپ و نشر نقد</li> </ul>
	رشد و ارتقاء بستر اصلی دانش معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آشنایی با نگرش‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در معماری</li> <li>- ارتقاء و غنی‌سازی تئوری، مبانی فلسفی و تاریخ معماری</li> <li>- کمک به فهم و درک بهتر معماری و کشف معنای جامع‌تر از آثار</li> <li>- کمک به رسیدن به وحدت و توافق در مسائل مرتبط با معماری</li> <li>- کمک به رشد دانش معماری در جهت بهبود کیفیت ساز و کارهای نظارتی و اجرایی</li> <li>- زیر سوال بردن ارزش‌ها در معماری و زمینه‌سازی برای تغییر یا اصلاح آن‌ها</li> <li>- ساختن آینده معماری و زمینه‌سازی برای ظهور و پذیرش معماری‌های آوانگارد</li> </ul>
۷. تاثیر نقد در رشد و ارتقاء رشته معماری	ایجاد شناخت و درک کامل‌تر و همه‌جانبه‌تر از معضلات معماری و ارائه‌دهنده راه‌حل‌های متنوع‌تر به منظور حل و اصلاح آنها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کمک به انعکاس و درک نظریات و عقاید مختلف موجود درباره مشکلات معماری</li> <li>- منعکس کننده بازخوردهای آثار معماری، مشکلات و معضلات موجود معماری</li> <li>- ایجاد ظرفیت برای بیان نظرات متفاوت کمتر شنیده شده برای حل مشکلات معماری</li> <li>- ارائه دهنده راه حل‌های متنوع‌تر جهت حل مشکلات عملی و نظری معماری</li> <li>- کمک به رشد کیفیت آثار معماری و ارتقاء عملکرد معماران در تولید آثار مطلوب‌تر</li> </ul>
	رشد جامعه معماری و مخاطب و برقرار کننده پیوند عمیق‌تر میان آنها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به معماری</li> <li>- حساس شدن مخاطبان نسبت به معماری و محیط ساخته شده</li> <li>- انعکاس بهتر مطالبات کاربران به منظور رشد کیفیت محیط ساخته شده</li> <li>- ایجاد زمینه برای بررسی و ارزیابی دقیق‌تر از بازخوردهای مخاطبین آثار معماری</li> </ul>

فناوب: تحقیق، گسترش و توسعه دانش در حوزه «نقد معماری»

مقولات	مقولات	مقولات
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش مشارکت آحاد جامعه در ساخت محیط مصنوع</li> <li>- بهره‌گیری از نقد به عنوان یک ابزار هویت‌ساز در جامعه</li> </ul>
	زمینه‌سازی برای اصلاح و تغییر حوزه‌هایی با ارتباط مستقیم با معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نقد معماری بطور غیر مستقیم عاملی برای تغییر و بهبود شرایط زیست محیطی</li> <li>- نقد معماری بطور غیر مستقیم زمینه ساز اصلاح سیاست‌های بالادست</li> <li>- نقد معماری به عنوان عاملی در جهت بهبود کیفیت شرایط اقتصادی</li> <li>- نقد معماری زمینه‌ساز ارتقاء کیفیت فرهنگی جامعه</li> </ul>
	کمک به بهبود کیفیت طراحی معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بهره‌گیری از تجارب و دیدگاه‌های منتقد به عنوان شریک طراح در طراحی</li> <li>- نقد موثر بر قضاوت، داوری منصفانه و کارآمد در مراحل طراحی و پس از آن</li> <li>- جلوگیری از رواج تقلید در طراحی</li> </ul>
	بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأثیر بر تقویت نظریه پردازی دانشجویان معماری</li> <li>- نقد پیشینه‌های طراحی موثر بر ارتقاء خلاقیت دانشجویان معماری</li> <li>- نقد عامل افزایش توانمندی دانشجویان در بررسی و تحلیل آثار معماری</li> <li>- جلوگیری از تقلید غیر اصولی به وسیله آموزش نقد به دانشجویان معماری</li> <li>- بهبود فرآیند سنجش و داوری آثار دانشجویان معماری</li> </ul>
	غنی‌تر شدن فرهنگ نقد و نقادی در معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جلوگیری از افول و اضمحلال فرهنگ نقد و نقادی در معماری</li> <li>- آشنایی معماران و مخاطبان معماری با مفاهیم اصلی و بنیادین نقد</li> <li>- کمک به شنیده شدن آراء مختلف درباره نقد معماری</li> <li>- ایجاد زمینه برای ارتقاء ظرفیت پذیرش نقد در میان معماران</li> <li>- کمک به رسیدن به وحدت و توافق در نقد و معیارهای آن</li> <li>- کمک به تولید معیارهای علمی و روشن نقد و ارزیابی آثار معماری</li> <li>- کمک به ایجاد گفت‌وگو میان معماران بوسیله انتشار نقد پیرامون آثار</li> <li>- کاهش تأثیر جریان‌های سیاسی، تبلیغاتی و سرمایه داری در معماری</li> </ul>
	ارتقاء کیفی نقدهای معماری موجود	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جلوگیری از خوانش‌های سطحی و نا کارآمد</li> <li>- رفع ابهام از روند سنجش و داوری آثار</li> <li>- کاهش تأثیرپذیری منتقدان معماری از جریان‌های سیاسی و اقتصادی هدمند</li> <li>- استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و بستر تکنولوژیکی جدید به منظور بهبود کیفیت معماری</li> </ul>
	مهیجور ماندن ارزش‌های آثار معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بی‌توجهی به درک همه جانبه و کامل از ارزش آثار معماری</li> <li>- تداوم یک‌سویه نگری، نادیده انگاشتن وجوه مختلف و دیدگاه‌های گوناگون در خصوص آثار معماری</li> </ul>
	رکود جریان معماری و رواج تقلید غیراصولی و تداوم بی‌کیفیتی معماری معاصر	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ادامه وجود کمبود نقد علمی و در نتیجه تداوم کاستی‌ها و نواقص در جامعه معماری</li> <li>- رواج تقلید غیر اصولی در جامعه معماری</li> <li>- تداوم بی‌کیفیتی و آشفتگی معماری (بویژه در ایران)</li> <li>- تداوم عدم توافق بر سر اصلاح و یافتن راه‌حل‌های متنوع‌تر مشکلات و مسائل معماری</li> </ul>
	عمیق‌تر شدن شکاف بین مخاطب و معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بی‌تفاوتی مخاطب نسبت به وضعیت معماری و شهر به سبب ناآگاهی</li> <li>- مهیجور ماندن معماری و مسائل مربوط به آن در گفتمان عمومی مردم</li> <li>- عدم ارتباط کافی و در خور میان مخاطب و معمار</li> <li>- عدم پرسشگری و مطالبه مخاطب از معمار و معماری در رابطه با محیط ساخته شده</li> </ul>

۴. پیام‌های کم‌توجهی به موضوع «نقد معماری»

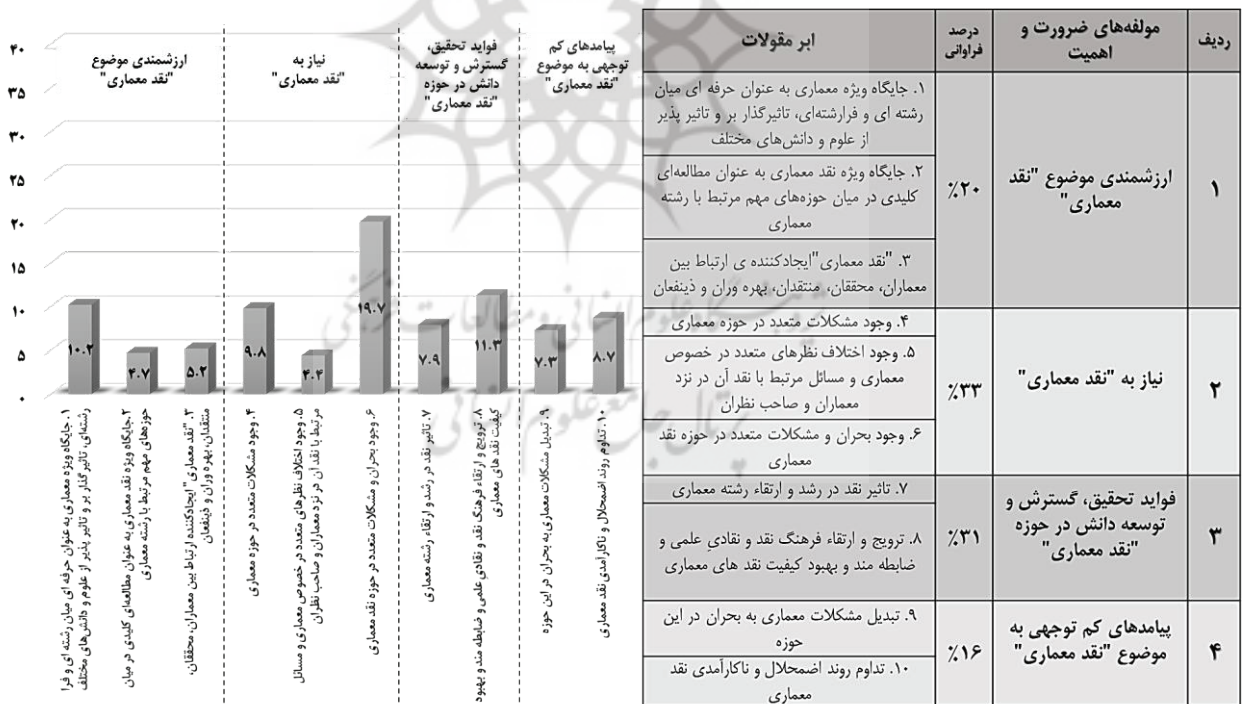
ابر مقولات	مقولات	خرد مقولات
		<ul style="list-style-type: none"> <li>- عمیق‌تر شدن شکاف میان نظر و عمل در معماری</li> <li>- بی توجهی بخش اجرایی به مسائل بنیادین و مبانی نظری معماری</li> <li>- کم توجهی پژوهشگران معماری به نتایج کاربردی تحقیقات نظری حوزه نقد</li> <li>- عدم ارتباط کافی و درخور میان صاحب نظران و معماران درخصوص مسائل چالش‌برانگیز معماری</li> <li>- عدم وحدت نظر و نا هماهنگی میان نظریه پردازان و معماران و بی‌نتیجه ماندن تحقیقات علمی</li> <li>- فاصله گرفتن نقد حرفه‌ای از نقد دانشگاهی</li> </ul>
	سست‌تر شدن پیوند میان اندیشه و معماری، نظر و عمل و اهل نظر و اهل حرفه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تداوم فقدان معیارهای روشن برای داوری و ارزیابی طراحی دانشجویان</li> <li>- رواج تقلید غیر اصولی و از میان رفتن خلاقیت در میان دانشجویان</li> <li>- تداوم نا آشنایی با روش‌های آموزش نقد و نقادی در محیط دانشگاهی</li> <li>- مخدوش شدن امر آموزش به دلیل ابهام در سازوکارهای ارزیابی و داوری آثار دانشجویان</li> </ul>
	افول کیفیت آموزش معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم وجود زبان و فهم روشن از نقد و تداوم مهجور ماندن فرهنگ نقد و نقادی در معماری</li> <li>- تداوم عدم آشنایی معماران و منتقدان معماری با مفهوم نقد و نقادی و روش‌های آن</li> <li>- افزایش اختلاف نظرها و عدم تفاهم درباره روش‌های نقد و نقادی در معماری و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های اندک صورت گرفته</li> <li>- نامشخص بودن وزن معیارها در نقد و قضاوت (در مسابقات معماری، در نشریات، در فرآیند آموزش و...)</li> <li>- عدم پذیرش نقد و جبهه‌گیری در مقابل آن</li> <li>- ترس از نقد کردن و مورد نقد واقع شدن در میان معماران</li> <li>- خودداری منتقدان از نقد افراد مشهور و یا عدم پاسخگویی این افراد به انتقادات مطرح شده</li> </ul>
	انحطاط فرهنگ نقد و نقادی در معماری و تداوم آشفتگی و عدم تفاهم بر سر مسائل مرتبط با نقد معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رواج نقد صرفاً توصیفی</li> <li>- تداوم رواج نقد احساسی و غیر علمی</li> <li>- جایگزینی نتایج داوری به جای نقد</li> <li>- رواج نقد در تخریب معمار یا صرفاً در تبلیغ او</li> <li>- رواج نقد تحت نفوذ سیاست یا جریان‌های اقتصادی و سرمایه داری</li> <li>- سواستفاده از نقد در جهت مقاصد غیر علمی</li> <li>- تبلیغاتی شدن نقد معماری در جهت تامین منافع اشخاص یا نهادها</li> <li>- جایگزینی روزنامه نگاری به جای نقد حرفه‌ای در معماری</li> </ul>
۱۰. تداوم روند اضمحلال و ناکارآمدی نقد معماری	تداوم انتشار نقدهای ناکارآمد و غیر علمی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رشد و گسترش توهم دیداری در رسانه‌ها در جهت تحت تاثیر قراردادن ارزش‌های معماری</li> <li>- افزایش امکان طرح اظهار نظرهای غیر علمی به نام نقد، هم‌زمان با گسترش رسانه‌های رایگان مجازی</li> <li>- تداوم ناآشنایی منتقدان حرفه‌ای با ظرفیت‌های جدید رسانه‌ای و عدم استفاده از قابلیت‌های جدید و به روز آن</li> <li>- کناره‌گیری منتقدان حرفه‌ای از فضای رسانه‌ای جدید به دلیل عدم آشنایی با امکانات و قابلیت‌های این فضا</li> </ul>



## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با بررسی آراء پژوهشگران و صاحب‌نظران منتقد و غیرمنتقد نقد معماری در سه دهه اخیر، به روش تحلیل محتوای کیفی تلاش شده که مؤلفه‌های اصلی «اهمیت و ضرورت نقد معماری» تدوین، روابط بین این مؤلفه‌ها تحلیل تفسیری و در نهایت با توجه به میزان تاکید صاحب‌نظران منتخب، الویت‌گذاری گردد. به این ترتیب ده مؤلفه اصلی اهمیت و ضرورت نقد معماری شناسایی، تدوین و خرد مقولات، مقولات و ابرمقولات (۱۰ مؤلفه) به عنوان یافته‌های اصلی در جدول شماره ۲ ارائه شده است. (جدول ۲)

تحلیل تفسیری یافته‌های اصلی حاکی از آن است که مؤلفه «نیاز به موضوع نقد معماری» به علت حساسیت و جدیت ویژه معضلات موجود در این حوزه و همچنین مؤلفه «فواید تحقیق، گسترش و توسعه دانش در حوزه نقد معماری» به دلیل اثرات مثبت و مزیت‌های متعدد ترویج و ارتقاء فرهنگ نقد و نقادی علمی و ضابطه‌مند در جهت بهبود کیفیت رشته معماری و رفع مشکلات آن، از دیدگاه صاحب‌نظران منتخب، بیشترین تاثیر را در میان ۴ مؤلفه جهت دهنده اهمیت و ضرورت نقد معماری داشته است. به این معنی که در وهله نخست وجود بحران‌ها و مشکلات متعدد در ارتباط با این موضوع (اعم از پیچیدگی و گستردگی حیطه نقد معماری و در عین حال فقدان مطالعات کافی در این زمینه، عدم آشنایی معماران با فرهنگ نقد و نقادی در معماری و علاوه بر آن رشد نقد‌های تبلیغاتی و سوگیری نقد‌ها تحت تاثیر جریان‌های سیاسی، اقتصادی و...) موجب شده، تاکید صاحب‌نظران و منتقدان این حوزه بیشتر بر تقریر و بیان نیاز مبرم و ضروری بکارگیری نقد در میان معماران به منظور مقابله با بحران‌ها و جلوگیری از اضمحلال فرهنگ نقد و نقادی در معماری باشد. در وهله دوم نیز، تاکید صاحب‌نظران و منتقدان منتخب بر غنی‌تر شدن فرهنگ نقد و نقادی در معماری و ارتقاء کیفی نقد‌های حرفه‌ای بوده که می‌تواند بیشترین فایده را به منظور رفع مشکلات و معضلات موجود داشته باشد. (تصویر ۴)

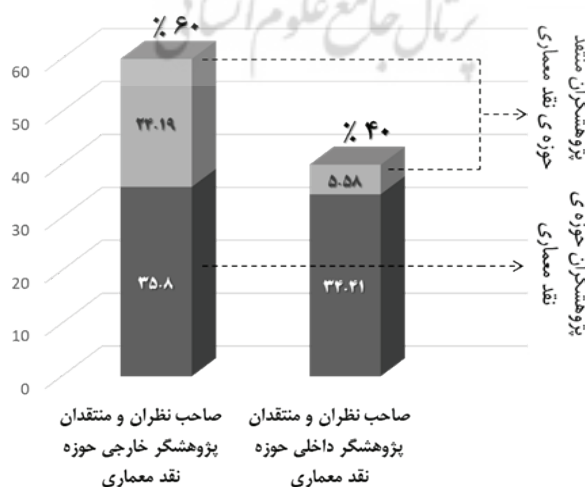


تصویر ۴- فراوانی مؤلفه‌های ضرورت و اهمیت (جهت دهنده‌ها) و ابرمقولات معرف مؤلفه‌های اصلی بررسی اهمیت و ضرورت «نقد معماری»

تحلیل تفسیری آراء صاحب‌نظران و منتقدان داخلی و خارجی نیز بصورت مجزا، نشان می‌دهد که مهمترین دغدغه منتقدان و صاحب‌نظران غیر ایرانی در رابطه با موضوع نقد معماری در سه دهه اخیر، تاثیر سیاست‌های بالادست و جامعه سرمایه‌داری بر

فرهنگ نقد و نقادی، تبلیغاتی شدن نقدهای منتشرشده و همچنین رشد رسانه‌ها و گسترش آن‌ها، در مقابل عقب‌افتادگی بستر انتشار نقد حرفه‌ای از فضای رسانه‌ای جدید است. به این مفهوم که اگرچه مبحث نقد معماری در غرب سابقه ای طولانی دارد اما در عصر حاضر، در دوره پسامدرن، در دنیای تکثر و تعدد، در عصر تکنولوژی و رسانه‌های جدید و در میان انواع گفتمان‌ها و نظریات گوناگون، اکنون دامنه تاثیرپذیری نقد از حوزه‌های مختلف بسیار گسترده تر از قبل شده است. به همین دلیل دغدغه‌هایی همچون تاثیر روزافزون شرایط اقتصادی و سیاسی بر تبلیغاتی شدن و سوگیری نقد‌های منتشر شده و همچنین دگرگونی نوع ارتباطات و قدرت رسانه‌های نوظهور در جهت تامین منافع افراد و گروه‌های ذی‌نفع، از بالاترین دغدغه‌های مطرح شده منتقدان معماری و صاحب نظران خارجی عرصه نقد است. این در حالی است که بیشترین موضوعی که منتقدان و محققان این حوزه در داخل کشور به آن اشاره کرده‌اند مسئله تاثیر گذاری نقد بر آموزش معماری و تربیت نسل جدید معماران بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه نقد معماری در ایران نسبت به موقعیتش در غرب، وضعیت بحرانی‌تری دارد، تفاوت اولویت‌ها در مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت موضوع نقد در آراء صاحب نظران داخلی و خارجی، مؤید این مفهوم است که با در نظر گرفتن جایگاه نقد و نقادی به عنوان یک حرفه مستقل و قدمت موضوع نقد در غرب، تا حد زیادی مسئله شناسایی و بیان تاثیر نقد بر حوزه آموزش، اهمیت خود را نسبت به مسائل نوظهورتر در جوامع غربی همچون نفوذ جریان‌ات اقتصادی، سیاسی و رشد رسانه‌ها بر بستر انتشار نقد معماری از دست داده است.

به علاوه باید توجه داشت که در مقایسه با غرب، در ایران، موضوع نقد در معماری بسیار نوپا و نابالغ محسوب می‌شود و بسیاری از افرادی که اقدام به نگارش نقد معماری می‌کنند، روزنامه‌نگار و یا منتقد غیر حرفه‌ای هستند. بررسی آماری تعداد پژوهش‌های منتشر شده از پژوهشگران منتقد و صاحب نظران نقد معماری در خارج و داخل کشور در طی سی سال اخیر نیز، نشان دهنده توجه بیشتر صاحب نظران خارجی به مقوله نقد معماری در مقایسه با صاحب نظران داخلی است. اگرچه بررسی تاریخ انتشار اسناد مرتبط با موضوع نقد معماری نیز نشان می‌دهد که بویژه در یک دهه اخیر، در داخل کشور، جامعه دانشگاهی اهتمام بیشتری بر پرداختن به این مقوله داشته‌اند. با این وجود بررسی فراوانی تعداد منتقدان حرفه‌ای و پژوهشگران فعال در این حوزه نشان دهنده کم توجهی شدید به موضوع نقد معماری در داخل کشور است. همچنین آمار نشان می‌دهد از میان تمامی منتقدان معماری و صاحب نظران خارجی بررسی شده که ۶۰ درصد کل منابع منتخب در این پژوهش را تشکیل داده‌اند، ۳۵/۸ درصد، منتقد حرفه‌ای معماری هستند که به کار پژوهش در خصوص نقد معماری می‌پردازند و مابقی صرفاً نقش محقق در این حوزه را دارند که حاکی از این واقعیت است که در غرب، اغلب افراد صاحب نظر در حوزه نقد معماری، مشغول به فعالیت حرفه‌ای به عنوان منتقد نیز هستند. در حالی که تنها ۵/۵۸ درصد از صاحب نظران و پژوهشگران داخل کشور به نقد حرفه‌ای معماری مبادرت ورزیده‌اند و به عبارتی پژوهشگر منتقد معماری محسوب می‌شوند. این امر نشان دهنده کمبود شدید حرفه نقادی معماری و آموزش‌های مرتبط با آن در داخل کشور است. (تصویر ۵)



تصویر ۵- فراوانی میزان آراء منتقدان و صاحب نظران منتقد و غیر منتقد در داده‌های بررسی شده در تحقیق

در نهایت با وجود اینکه در منابع بررسی شده در این تحقیق، طی ۳۰ سال اخیر تلاش‌هایی در جهت بیان اهمیت و ضرورت موضوع نقد معماری صورت گرفته که به طور پراکنده و غیرمنسجم در جهت ورود به بحث عنوان گردیده است، اما مقوله مهم و کلیدی نقد معماری همچنان مهجور مانده و تعداد اندک منتقدان معماری در مقایسه با تعداد قابل توجه منتقدان در دیگر رشته‌ها و تعداد پژوهش‌های علمی ناکافی در این خصوص موید این مسئله مهم است. بنابراین نظر به اینکه موضوع شناسایی مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت نقد معماری، تاکنون بصورت جامع به عنوان یک تحقیق علمی ارائه نشده، پرداختن این تحقیق به مقوله اهمیت و ضرورت نقد معماری و تدوین مؤلفه‌های آن مد نظر نویسندگان بوده است.

از این رو پرسش اول پژوهش عبارت است از: "مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت نقد علمی و ضابطه‌مند معماری در آراء صاحب نظران خارجی و داخلی معاصر کدام‌اند؟" که در جهت پاسخگویی به این پرسش، با بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری بیش از ۱۴۰ منبع و سند از بیش از ۱۰۰ پژوهشگر منتقد مطرح معماری و صاحب نظر در این حوزه، ۱۰ مؤلفه اصلی "اهمیت و ضرورت نقد علمی و ضابطه‌مند معماری" در آراء صاحب نظران خارجی و داخلی معاصر تدوین و رابطه بین مؤلفه‌ها تحلیل و مشخص گردیده است. (تصویر ۴) همچنین نتایج نشان داده، در پاسخ به پرسش دوم پژوهش که عبارت است از: "الویت مؤلفه‌های اهمیت و ضرورت نقد علمی و ضابطه‌مند معماری چیست؟" بیشترین تاکید صاحب نظران منتخب داخلی و خارجی بر "وجود بحران و مشکلات متعدد در حوزه نقد معماری" بوده است. بعلاوه، الویت‌های صاحب نظران منتخب خارجی نشان می‌دهد بالاترین دغدغه این افراد درباره نقد معماری مسئله "تاثیر سیاست‌های بالادست و جامعه سرمایه داری بر فرهنگ نقد و نقادی، تبلیغاتی شدن نقد و همچنین رشد رسانه‌ها و گسترش آن‌ها و در مقابل عقب افتادگی بستر انتشار نقد حرفه‌ای از فضای رسانه‌ای جدید" بوده، اما صاحب نظران منتخب داخلی حوزه نقد بیشترین تاکید را بر مسئله "تاثیر نقد بر آموزش" داشته‌اند.

از آنجا که این تحقیق سعی در شناساندن "اهمیت و ضرورت موضوع نقد معماری" به جامعه معماران و دیگر مخاطبان داشته است، انتظار می‌رود مطالعه آن زمینه‌ساز توجه بیشتر معماران و منتقدان معماری به مقوله نقد شده و عاملی شود برای پرداختن بیشتر به این موضوع، رفع ابهام از آن، رسیدن به معیارها و روش‌های مستدل مورد توافق نقد در میان معماران و همچنین ایجاد گفت‌وگوهای علمی و دانشگاهی کارآمدتر در این حوزه.

## پی‌نوشت‌ها

۱. اگر چه باید دقت داشت که اصولاً دو واژه Criticism و Critique تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در فرهنگ لغات Merriam Webster هر دو این واژگان به معنی عمل نقد و قضاوتی آگاهانه که بخش‌های خوب و بد چیزی را مطرح می‌کند، آورده شده، با این تفاوت که Criticism بیشتر بر جنبه منفی و خلاءهای موضوع مورد نقد تاکید دارد. (Reeves, 2002: 65)
۲. Alexandra Lange
۳. در سال ۲۰۱۷، لنس هوسی (Lance Hosey) در مصاحبه‌هایی که با چندین منتقد معروف معماری در آمریکا (Paul Goldberger, Blair Kamin. Bottom, left to right: John King, Alexandra Cathy Lang Ho, Robert Ivy, Karrie Jacobs, Michael Sorkin, Susan Szenasy) داشته است، پاسخ این پرسش که به نظر آنها خصوصیات تعیین کننده یک نقد معماری قابل قبول چیست؟ را در چند مورد خلاصه می‌کند که اولین ویژگی، پایبند بودن نقد است به اصول و معیارهای مشخص که بواسطه آن‌ها، منتقد بتواند دیگران را قانع کند. (2017)
۴. برای مطالعه بیشتر درباره وضعیت نقد معماری در جهان عرب، روسیه و کره جنوبی و چین رجوع شود به (Karbol et al., 2021) و (Tarasova, 2018) و (Pai, 2020) و (Zhi & Ding, 2019: 123)
۵. برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه این نشریات رجوع شود به (Hultzs, 2020: 810-799) و (Wittman, 2007)
۶. Blair Kamin
۷. Paul Goldberger
۸. Helen Jannière
۹. International Committee of Architectural
۱۰. Peter Collins

Wayne Attoe .۱۱

Directed Content Analysis .۱۲

۱۳. هر دو واژه Importance و Significance را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد، اما یک تفاوت ظریف میان آنها وجود دارد: Importance به معنای وجود معنادار چیزی در یک زمینه خاص است در حالی که Significance به معنی داشتن ارزش حیاتی و تاثیر چیزی بر دیگری است. (Upen,2018)

Dermot Crowley .۱۴

۱۵. مایکل دیوید سورکین (Michael David Sorkin) معمار، مدرس، منتقد و طراح که سال‌ها منتقد معماری مجله ویلج ویس بود.

Evaluation .۱۶

Nikos Salingaros .۱۷

۱۸. طبق مطالعاتی که در مورد جایگاه نقد معماری در روزنامه‌های آمریکا صورت گرفته در سال ۲۰۰۱ «در میان تقریباً ۱۴۰ روزنامه با تیراژ ۷۵۰۰۰۰، کمتر از ۴۵ روزنامه منتقد معماری در اختیار دارند و در این میان، تنها یک سوم آن‌ها، نقد معماری را به صورت تمام وقت دنبال می‌کنند.» (Szanto,2001: 7) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال به حرفه نقد معماری حتی در غرب نیز بصورت گسترده‌ای رایج نبوده است.

۱۹. علاوه بر این، در هنگام تمرین و آموزش دانشجویان در جهت نگارش نقد، تنوع دیدگاه‌ها در دانشجویان کشف شده، می‌تواند راه گشای روش‌های آموزش معماری برای اساتید نیز باشد. توماس لزی (Thomas Lesli) تحقیقی در این خصوص انجام داده که نتایج آن تاثیر مثبت نقد بر دانشجویان معماری را تایید می‌کند. ر. ک به (Leslie & Sobiech Munson,2006)

۲۰. به همین دلیل است که صاحب نظران حوزه نقد معماری با مشاهده وضعیت بحرانی نقد، امروز از اضمحلال و مرگ تدریجی آن صحبت می‌کنند. ر. ک به (Rybczynski, 2012: 330) و (Pawley, 2007: 330) و (قیومی بیدهنی و دانایی فر، ۱۳۹۸: ۶۹)

۲۱. بطور مثال می‌توان به عکس العمل فرانک گهری در یک کنفرانس مطبوعاتی اسپانیا در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴ اشاره کرد. گهری در پاسخ به یک خبرنگار که او را متهم به اجرای معماری "نمایشی" کرد، در حالی که سر تکان می‌داد با انگشت خود علامتی توهین آمیز را به خبرنگاران نشان داد و پس از چند ثانیه اظهار داشت: "۹۸ درصد آنچه که امروزه ساخته و طراحی شده است، آشغال محض است." (Burgen, 20)

## منابع

- اتو، و. (۱۳۸۴)، معماری و اندیشه نقادانه. ترجمه: امینه انجم شعاع. چاپ اول. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- افشار نادری، ک. (۱۳۷۷). ارزیابی وضعیت نظریه ی معماری در ایران امروز. دو ماهنامه معمار. شماره ۳. صص. ۲۵-۳۶.
- بلوری بزاز، م. مستغنی، ع. (۱۳۹۸). فرمالیسم در معماری و نسبت آن با مفهوم فرم. صفحه: ۲۹(۴)، ۵-۱۸.
- تغابنی، ع. (۱۴۰۱). مماس بر اثر. چاپ دوم، تهران: نشر گیلگمش (چشمه).
- جوی زاده، س. شمس ابادی، ا. ابراهیمی، ع. (۱۳۹۶). اصول نگارش پروپوزال‌های علمی. تهران: انتشارات آکادمیک.
- حائری، م. (۱۳۸۷) جایگاه نقد معماری در گفت و گو با محمدرضا حائری؛ معماری وجدان جامعه است. ماهنامه آینه خیال، پیاپی ۸، صص ۶۵-۶۷.
- خوئی، ح. (۱۳۷۹). رساله دکتری: نقد و شبهه نقد: تأملی در مواضع منتقدین در نقد آثار معماری، پایان نامه دکتری. استاد راهنما: سیمون آیوزیان. دانشکده هنر و معماری دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رحمانی، ا. (۱۳۹۵). تدوین مدل‌های نقد معماری بر پایه اندیشه و مکاتب فکری، رساله دکتری، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
- رحمانی، ا. اعتصام، ا. (۱۳۹۶). تحلیلی بر چگونگی نقد و ارزیابی آثار معماری آوانگارد. مجله علمی پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر. سال چهاردهم. شماره ۵. صص ۵-۲۰.
- رزاقی اصل، س، و، رستمی، ز، و زیبایی، ن. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای مقالات بین المللی طراحی شهری طی دوره ۸ ساله (۲۰۰۵-۲۰۱۲) میلادی: موضوع و روش‌های پژوهش. هویت شهر، ۹(۲۴)، ۷۹-۸۶.
- رضوانی، علیرضا. (۱۳۹۵). روح شهر باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص‌های روح بخش معماری سبز. سال دوم پاییز ۱۳۹۵ شماره ۴.
- رئیسی، ا. دانشپور، ع. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای نقدهای معماری نشریات معماری ایران از ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی، نشریه هویت شهر، شماره ۸، سال ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

- زمان سلطانی، س. (۱۳۹۷). *سرآغاز معماری: عوامل موثر بر نقد معماری*. چاپ اول. تهران: حریم دانش.
- عباسی، م. (۱۳۹۱). پژوهشی در باب ارتقای اعتبار علمی نقدهای معماری تکنیکی برای استخراج معنای جامع اثر معماری. *باغ نظر*، ۱۰ (۲۴)، ۶۹-۷۸.
- عزیززاده میان‌دوباب، آ. اکرمی، غ. (۱۳۹۸). بررسی شیوه‌های مختلف نقد در آلتیه‌های معماری، *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، ۱۲ (۲۴)، ۴۷-۶۲.
- عندلیب، ع. (۱۳۹۰). *روش تدوین پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری*. تهران: نشر آذرخش.
- فلیک، ا. (۱۳۹۹). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. چاپ یازدهم. تهران: نشر نی.
- فیضی، م. خاک زند، م. (۱۳۸۹). *تجزیه و تحلیل ده اثر از پنجاه سال معماری معاصر ایران*. تهران: ناشر فرهنگ متین.
- قره باغی، ع. (۱۳۸۳). *هنر نقد هنری*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- قیومی بیدهندی، م. دانایی‌فر، م. (۱۳۹۸). مفهوم نقد معماری: سیر تاریخی و گونه‌ها. *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. ۲ (۲): ۷۲-۵۱.
- کیافر، ع. (۱۳۹۸). (2020, February 26). انتقاد پژوهشگر معماری از شیوه شهرسازی کشور. Http: //Qeng. Ir. Retrieved December 23, 1400, from http: //qeng. ir/sysnews/cid/14715/tour
- کیافر، ع. (۲۸ دیماه ۱۳۹۹)، (۱۷ ژانویه ۲۰۲۱). نگرشی بر نقد معماری. اقتباس از <https://www.youtube.com/watch?v=cFLHoXPD6Do>
- معین، م. (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*، جلد چهارم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- منصوری، ا. (۱۳۷۹). روش نقد معماری: ملاحظات در راه ترسیم روش نقد معماری به طور همه جانبه و با معیارهای روشن، *مجله هنرهای زیبا*. شماره ۷.
- مهدوی نژاد، م. (۱۳۹۶). گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر، *هویت شهر*، شماره ۳۰، سال ۱۱، صفحات ۵۹-۶۸.
- مهردوست، ا. امین پور، ا. ندیمی، ح. (۱۳۹۸). طراحی معماری به کمک پیشینه‌ها؛ مطالعه شیوه‌های بهره‌گیری معماران حرفه‌ای ایران از پیشینه‌های طراحی، *نشریه مطالعات معماری ایران*، ۸ (۱۶)، ۶۱-۸۰.
- موران، ب. (۱۳۹۹). *نظریه‌های ادبیات و نقد*. ترجمه ناصر داوران. چاپ سوم. تهران: نشر آگاه.
- نیومن، و. (۱۳۸۹). *شیوه‌های پژوهش اجتماعی*، مترجم: حسن دانائی فرد، سید حسین کاظمی، جلد اول، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- هنیک، م. هاتر، ا. بیلی، آ. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی*. مترجم: هدی زارعی و محمد رضا ایرانی محمد آبادی. چاپ اول. تهران: نشر سخنوران.
- Arieff, A. (2012, March 3). Why Don't We Read About Architecture? *The New York Times*. Retrieved April 30, 2022, from [https://opinionator.blogs.nytimes.com/2012/03/02/why-dont-we-read-about-architecture/?src=me&ref=general&\\_r=1](https://opinionator.blogs.nytimes.com/2012/03/02/why-dont-we-read-about-architecture/?src=me&ref=general&_r=1)
- Ariola, M. M. (2006). *Principles and methods of research*. Manila: Rex Book Store.
- Bates, W. (2019). Shaping the 21st-Century Architect. *THE JOURNAL OF THE AMERICAN INSTITUTE OF ARCHITECTS*, 11(107), 84-85.
- Burgen, S. (2017, November 30). Frank Gehry gives journalist the finger. *The Guardian*. Retrieved June 5, 2022, from <https://www.theguardian.com/artanddesign/2014/oct/24/frank-gehry-journalist-finger-architecture-shit>.
- Bürger, P. (2010). Definitions and Limitations of Criticism. *Constructing Criticism, OASE*, (81), 13-32.
- CICA. (2021, March 5). *the International Committee of Architectural Critics. The International Committee of Architectural Critics*. Retrieved November 1, 2021, from <https://cicarchitecture.org/>
- Crosbie, M. J. (2015). The role of editors as critics. In W. F. E. Preiser, A. T. Davis, A. M. Salama, & A. Hardy (Eds.), *Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation* (1st ed., pp. 37-45). Routledge.
- Crowley, D. (2020). *Urgent! Strategies to Control Urgency, Reduce Stress and Increase Productivity*. United Kingdom: Wiley.
- Davis A, T. (2015). IDENTITY CRISIS Estrangement in the evolution of architectural criticism. In W. F. E. Preiser, A. T. Davis, A. M. Salama, & A. Hardy (Eds.), *Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation* (1st ed., pp. 23-36). Routledge.
- Davis, A. T., & Preiser, W. (2012). ARCHITECTURAL CRITICISM IN PRACTICE: FROM AFFECTIVE TO EFFECTIVE EXPERIENCE. *International Journal of Architectural Research: Archnet-IJAR*, 6, 24-42.
- Drier, Deborah. (1990) "Critics and the Marketplace," *Art & Auction*: 172.
- Ducasse, C. J. (1955). *Art, the Critics, and You*. United States: Liberal Arts Press.

- Dwidar, S. (2018). The Influence of Contemporary Architectural Criticism Theories on the Local Built Environment. *International Journal of Applied Engineering Research*, 13(7), 4708–4718.
- Elo, S. , & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), 107–115. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x>
- Ferrando, D. T. (2014). Architecture Criticism in the Age of Social Networks: Preliminary Thoughts on how Web and Social Media can Change Critical Practice for the Better. In *Critic|All I International Conference on Architectural Design & Criticism*. Madrid 12-14 June 2014. Digital Proceedings, 1, 422–431.
- Fessa-Emmanouil, E. (2015, January 24). Articles - ARCHITECTURAL REVIEW - *Architectural criticism in the context of individualism and utilitarianism*. Greekarchitects. Gr. [https://www.greekarchitects.gr/en/architectural-review/architectural-critism-in-the-context-of-individualism-and-utilitarianism\[1\]-id10220](https://www.greekarchitects.gr/en/architectural-review/architectural-critism-in-the-context-of-individualism-and-utilitarianism[1]-id10220)
- Fisher, T. (2009) “ Making Criticism More Critical. ” *Journal of Architectural Education* 62 (3): 14–15.
- Fisher, T. (2015). Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation. In W. F. E. Preiser, A. T. Davis, A. M. Salama, A. Hardy, & D. S. Friedman (Eds. ), *THE PERFORMANCE OF BUILDINGS, ARCHITECTS, AND CRITICS* (1st ed. , pp. 75–82). Routledge.
- Friedman, D. S. (2015). Regenerative design: redefining the limits of architectural judgment in Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation. In W. F. E. Preiser, A. T. Davis, A. M. Salama, & A. Hardy (Eds. ), *REFLECTIONS ON PART II* (1st ed. , pp. 83–87). Routledge.
- Fromonot, F. (2019). From Crisis to Crisis: Debates on Why Architecture Criticism Matters Today. In N. Seraji, S. Devabhaktuni, & L. Xiaoxuan (Eds. ), *Out of control: from crises to Krisis* (English ed. , pp. 17–32). Actar.
- Gadanho, P. (2015). Is curating the new criticism?. In W. F. E. Preiser, A. T. Davis, A. M. Salama, & A. Hardy (Eds. ), *Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation* (1st ed. , pp. 46–52). Routledge.
- Goldberger, P. (2012, April 12). *Criticism Today*. Www. Paulgoldberger. Com. Retrieved February 3, 2022, from <https://www.paulgoldberger.com/lectures/criticism-today/>
- Goldberger, P. (2013, November 12). *Architecture Criticism: Does It Matter?* <https://www.paulgoldberger.com/lectures/architecture-criticism-does-it-matter/>
- Grundberg, A. (2004). In “Reading Into Photography: Selected Essays, 1959–1980”. In T. F. Barrow, S. Armitage, & W. E. Tydeman (Eds. ), *Toward Critical Pluralism* (1st ed. , pp. 247–253). U of New Mexico Press.
- Hosey, L. (2017, December 7). The 7 Lamps of Architecture Criticism. *HuffPost*. [https://www.huffpost.com/entry/the-seven-lamps-of-architecture\\_b\\_7080402](https://www.huffpost.com/entry/the-seven-lamps-of-architecture_b_7080402)
- Hsieh, H. F. , & Shannon, S. E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health*
- Hultzs, Anne. (2020). Sharing knowledge, promoting the built: the origins of the architectural magazine in nineteenth-century Europe, *The Journal of Architecture*, 25: 7, 799-808, DOI: 10.1080/13602365.2020.1841940
- Islam, M. R. (2018). *Social Research Methodology and New Techniques in Analysis, Interpretation, and Writing*. Hershey: IGI Global.
- Jannière, H. (2010). Architecture Criticism: Identifying an Object of Study. *Journal for Architecture*, 2010, pp. 34-54. hal-02563672.
- Jencks, C. (1987). *Post Modernism: The New Classicism in Art and Architecture* (1st ed. ). Academy Editions.
- Jha, A. S. (2014). *Social research methods*. New Delhi: McGraw Hill Education (India).
- Kamin, B. (2015, July 27). *Architecture Criticism: Dead or Alive?* Nieman Foundation. Retrieved November 5, 2021, from <https://nieman.harvard.edu/articles/architecture-criticism-dead-or-alive/> Retrieved from <https://www.oasejournal.nl/en/Issues/81/DefinitionsAndLimitationsOfCriticism>
- Karbol, H. A. , Al-Saadi, S. M. , Almajidi, B. H. (2021). Bias in the critique of Arab architecture. *International Journal of Design & Nature and Ecodynamics*, Vol. 16, No. 5, pp. 573-581. <https://doi.org/10.18280/ijdne.160512>
- Krippendorff, K. (2013). *Content Analysis*. SAGE Publications.

- Kuspit, D. Burton (2014, August 3). *Art criticism. Encyclopedia Britannica*. <https://www.britannica.com/art/art-criticism>.
- Lamster, M. (2017, Nov 06). *Informed sources. Boston Society for Architecture*. Retrieved February 3, 2022, from <https://www.architects.org/stories/informed-sources>
- Lange, A. (2012a, March 1). *How to Be an Architecture Critic*. Places Journal. Retrieved May 7, 2022, from <https://placesjournal.org/article/how-to-be-an-architecture-critic/>
- Lange, A. , & Lange, J. M. (2012b). *Writing About Architecture: Mastering the Language of Buildings and Cities* (Architecture Briefs) (Illustrated ed. ). Princeton Architectural Press.
- Leslie, T. , & Sobiech Munson, A. (2006). Writing about architecture. In R. Cheng, P. J. Tripeny, & Association of Collegiate Schools of Architecture. *Annual Meeting (Eds. ) , Getting real: design ethos now* (pp. 333–338). *Association of Collegiate Schools of Architecture*.
- Mayring P. (2015) Qualitative Content Analysis: Theoretical Background and Procedures. In: Bikner-Ahsbahs A. , Knipping C. , Presmeg N. (eds) *Approaches to Qualitative Research in Mathematics Education. Advances in Mathematics Education*. Springer, Dordrecht. [https://doi.org/10.1007/978-94-017-9181-6\\_13](https://doi.org/10.1007/978-94-017-9181-6_13)
- Pai, H. (2021, July 9). Critical distance: redistributing Korean criticism. *Architectural Review*. Retrieved March 15, 2022, from <https://www.architectural-review.com/places/korea/critical-distance-redistributing-korean-criticism>.
- Pawley, Martin (2007), "Strange Death of Architectural Criticism", In David Jenkins (ed. ), *Strange Death of Architectural Criticism: Martin Pawley Collective Writings*, London: Black Dog Architecture.
- Preiser, W. F. E. , Davis, A. T. , Salama, A. M. , Hardy, A. , & Friedman, D. S. (Eds. ). (2015). *Architecture Beyond Criticism: Expert Judgment and Performance Evaluation* (1st ed. ). Routledge.
- Reeves, J. (2002). *Writing alone, writing together: A guide for writers and writing groups*. Novato, Calif: New World Library.
- Rybczynski, W. (2012, April 6). The Death of Criticism | WITOLD RYBCZYNSKI. *WITOLD RYBCZYNSKI | ON CULTURE AND ARCHITECTURE*. Retrieved May 17, 2022, from <https://www.witoldrybczynski.com/architecture/the-demise-of-criticism/>
- Salingaros, N. (2021, August 11). The 21st Century Needs Its Own Paradigm Shift in Architecture. *Metropolis*. Retrieved March 12, 2022, from <https://metropolismag.com/projects/the-21st-century-needs-its-own-paradigm-shift-in-architecture/>
- Sharp, Dennis (2006); "Architectural Criticism: History, Context and Roles"; Architectural criticism and journalism: Global perspectives: Edited by Al-Asad, M. , & Musa, M. *proceedings of an international seminar organised by the Aga Khan Award for Architecture in association with the Kuwait Society of Engineers*, 6-7 December 2005, Kuwait. Turin: Allemandi.
- Sorkin, M. (2018). *What goes up: The rights and wrongs to the city*. United Kingdom: Verso Books.
- Szántó, A. (2002). The visual art critic: A survey of art critics at general-interest news publications in America. New York: National Arts Journalism Program, Columbia University. Critical Mass: Why Architectural Criticism Matters. (May 28, 2014). *The Architectural Review*.
- Tarasova, I. V. (2018). Critical Thinking for Architects. *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering*, 463, 042046. <https://doi.org/10.1088/1757-899x/463/4/042046>
- Terrell, S. R. (2015). *Writing a Proposal for Your Dissertation: Guidelines and Examples*. United Kingdom: Guilford Publications.
- The Editors. (2019, April 19). Gilabert, E. F. on "How can architecture criticism give everyone a seat at the table?". *The Architect's Newspaper*. Retrieved March 12, 2022, from <https://www.archpaper.com/2018/05/architecture-criticism-give-everyone-a-seat-at-the-table/>
- The Editors (Ed. ). (2020, August 13). Barry Bergdoll on What do architecture critics think of the state of architecture criticism today? *The Architect's Newspaper*. Retrieved April 29, 2022, from <https://www.archpaper.com/2018/05/critics-speak-state-architectural-criticism/>
- Thomas, D. , & Hodges, I. (2010). *Designing and planning your research project: Core skills for social and health research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Tzonis, A. , & Lefavre, L. (2018). Times of Creative Destruction: Shaping Buildings and Cities in the late C20th. In A. Tzonis & L. Lefavre (Eds. ), *The narcissist phase in architecture* (1st ed. , pp. 109–122). Routledge.

- Upen, B. A. (2018a, August 3). *Difference Between Significance and Importance*. Pediaa. Com. <https://pediaa.com/difference-between-significance-and-importance/>
- Wittman, D. , Wittman, R. (2007). *Architecture, Print Culture, and the Public Sphere in Eighteenth-century France*. United Kingdom: Routledge.
- Wolfsonian Public Humanities Lab at FIU. (2020, September 21). *Kate Wagner: Whither Criticism?* [Video]. YouTube. <https://www.youtube.com/watch?v=nyEYHNLGjfc>
- Zhi, W. , & Ding, G. (2019). From Crisis to Crisis: Debates on Why Architecture Criticism Matters Today. In N. Seraji, S. Devabhaktuni, & L. Xiaoxuan (Eds. ), *Cultivating a critical culture: the interplay of time + architecture and contemporary Chinese architecture* (English ed. , pp. 122–137). Actar.





## The Importance and Necessity of Architectural Critique: A Qualitative, Content-analysis of the Views of Contemporary Iranian and Foreign Scholars

**Najva Moghaddam**, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamix Azad University, Mashhad, Iran.

**Alireza Rezvani\***, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamix Azad University, Mashhad, Iran.

**Hadi Sarvari**, Assistant Professor, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, Islamix Azad University, Mashhad, Iran.

*Received: 2022/6/15*

*Accepted: 2022/10/16*

### Extended abstract

**Introduction:** Today, criticism is one of the main pillars of the prosperity of science and art in advanced societies. However, in the architecture, the criticism remains abandoned without a clear and specific mechanism and so far, it's not been able to emerge as a specialized activity and regulated process. The insufficient efforts to research architectural criticism reflect that “the importance and necessity” of this topic is not yet clearly understood. Therefore, this paper seeks a response to the question of what are the components of the importance and necessity of architectural criticism as stated by domestic and foreign scholars? And What are their priorities?

**Methodology:** In this research, first by defining the meaning of “the importance and necessity” and then by extracting its components, the opinions of 100 domestic and foreign scholars and critiques who have researched about architectural criticism during the last thirty years have been studied. The collected information has been encoded and classified by adopting a qualitative approach of the directional and inductive content analysis method by using MAXQDA 2020.

**Results:** Then the results of information analysis have been achieved in form of 174 sub-categories, 41 categories, and 10 super-categories which present the main components of the importance and necessity of architectural criticism based on the opinions of the selected scholars and critics. These 10 components include 1. The special place of architecture is a complex interdisciplinary and meta-disciplinary, influential on and influenceable by different sciences. 2. The special place of architectural criticism as a key field of study in architecture. 3. Architectural criticism creates the link between architects, researchers, critics, and users. 4. The existence of several problems in the architecture. 5. The existence of differences in the definition and nature of architecture and issues related to this field among architects and scholars. 6. The existence of various crises about architectural criticism. 7. The impact of criticism on the growth and promotion of architecture. 8. Promoting the culture of scientific and disciplined criticism and improving the quality of architectural criticism. 9. Turning architectural problems into crises. 10. The Continuation of the process of decay and inefficiency of architectural criticism.

**Conclusion:** Furthermore, Analyzing the results shows that the major emphasis of scholars is on the component of “the existence of a crisis and problems about architectural criticism”. Also, the statistics captured from the study of scholars and critics show the severe shortage and absence of professional architectural critics in Iran compared with the West and more neglect of this important category in the country.

**Keywords:** architectural critique, contemporary Iranian architects, context analysis.